

Conceptualization, process and consequences of competition from the perspective of primary school teachers: A phenomenological study

■ Negin Fakhār, MA Student in curriculum planning, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: negin.fakhar@ut.ac.ir

■ Marziye Dehghāni, Associate professor of Educational Planning, Department of Curriculum Development and Instruction Methods, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: dehghani_m33@ut.ac.ir

■ Khatoon Alipour, PhD Candidate in Curriculum Planning, Department of Curriculum Development and Instruction Methods, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: alipour.kh@ut.ac.ir

Abstract

In contemporary societies, competition is often regarded not as a means but as an ultimate goal of education, a perspective that can be problematic. This issue largely stems from the lack of a precise and principled definition of competition within society. Accordingly, the present study aimed to conduct a phenomenological exploration of the concept of competition, its process (including the reasons for and methods of fostering competition), and its consequences. The research adopted a qualitative approach employing a phenomenological method. The research population consisted of primary school teachers in Māzandarān Province, with a sample of 17 participants (3 men and 14 women) selected through purposive criterion-based sampling. After conducting semi-structured interview with 14 participants, theoretical saturation of the data was achieved; however, in order to enhance the credibility of the findings, interviews continued until the 17th participant. Data were analyzed using Colaizzi's seven-step strategy with MAXQDA 2020 software. Furthermore, to ensure trustworthiness, Guba and Lincoln's criteria were employed. In the findings section, nine main themes and thirty-four sub-themes emerged. Among the most significant themes were positive competition, mixed competition, the process of creating competition at school, the social consequences of competition, and the individual consequences of competition. Overall, the results of the present study were consistent with the related research. These findings indicated that competition, in its essence, is a neutral phenomenon; however, when influenced by human thoughts and attitudes, it transforms into positive or negative competition depending on its consequences. Therefore, attention to the process (reasons and methods) of fostering both positive and negative competition is of critical importance.

Keywords

Phenomenology, Primary School Level, Consequences of Competition, Academic Competition, Negative Competition



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مفهوم پردازی، فرایند و پیامد رقابت از منظر آموزگاران دوره ابتدایی: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

■ نگین فخار* ■ مرضیه دهقانی** ■ خاتون علی‌پور***

چکیده:

در جوامع امروز، رقابت نه به منزله وسیله، بلکه به مثابه هدف در تعلیم و تربیت مطرح می‌شود که می‌تواند مشکل‌ساز باشد. این فرایند به دلیل نبود تعریف اصولی رقابت در جامعه است. از این رو، هدف پژوهش حاضر، پدیدارشناسی مفهوم رقابت، فرایند (دلایل و روش‌های) ایجاد رقابت و پیامدهای آن است. رویکرد پژوهش کیفی و روش آن، پدیدارشناسی توصیفی است. میدان پژوهش آموزگاران استان مازندران بودند. نمونه پژوهش هفده نفر (سه مرد و چهارده زن) بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. پس از مصاحبه نیمه عمیق با چهارده نفر، اشباع نظری داده‌ها به دست آمد؛ اما برای اعتباربخشی به یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا هفدهمین نفر ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای کلاسی و نرم افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ انجام شد. همچنین برای اطمینان‌پذیری، از معیارهای گوبا و لینکلن استفاده شد. در بخش یافته‌ها، ۹ مضمون اصلی و ۳۴ زیرمضمون به دست آمد. از جمله مضامین مهم می‌توان به رقابت مثبت، رقابت آمیخته، فرایند ایجاد رقابت در مدرسه، پیامدهای اجتماعی رقابت و پیامدهای فردی رقابت اشاره کرد. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های مرتبط همسو بود. این نتایج نشان دادند که رقابت در ذات خود پدیده‌ای خنثی است و وقتی تحت تأثیر افکار و نگرش آدمیان قرار می‌گیرد، با توجه به پیامدهایی که دارد، به رقابت مثبت و منفی تبدیل می‌شود؛ از این رو، توجه به فرایند (دلایل و روش‌های) ایجاد رقابت مثبت و منفی بسیار مهم و ضروری است.

پدیدارشناسی، دوره ابتدایی، پیامدهای رقابت، رقابت تحصیلی، رقابت منفی

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۸ □ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۳/۲/۱۸ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۵/۵

* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. E-mail: negin.fakhar@ut.ac.ir

** (نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های درسی و آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: dehghani_m33@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. E-mail: alipour.kh@ut.ac.ir

مقدمه

آموزش و پرورش رکنی اساسی برای توسعه و پیشرفت هر ملت است (باروت^۱، ۲۰۲۳). برای دستیابی به توسعه پایدار و ساختن جامعه‌ای دانا و متفکر، در آموزش و پرورش باید تحول بنیادی انجام شود (گیلیسن^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). در این راستا، کشورهای توسعه‌یافته برای آموزش و پرورش اهمیت بسیاری قائل هستند. در آموزش و پرورش این کشورها، به تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های آموزشی با پشتوانه تحقیقات پژوهشی، پیشرفت‌های فناورانه و واکاوی دقیق نیازهای واقعی جامعه پرداخته می‌شود (ژانگ و اسلان^۳، ۲۰۲۱). امروزه جوامع پیشرفته به نیروهای اقتصادی و اجتماعی با صلاحیت بسیار نیاز دارند تا بتوانند به برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی، در مناطق جغرافیایی مختلف کمک کنند (روکو^۴ و همکاران، ۲۰۲۳؛ واسیلنکو^۵، ۲۰۲۳)؛ بنابراین هدف اصلی آموزش و پرورش، آماده کردن شهروندان باسواد در جامعه مدرن است تا بتوانند نیازهای روزمره خود را برطرف و به جامعه خود خدمت کنند (واسیلنکو، ۲۰۲۳). هر نظام آموزشی برای تحقق آرمان‌ها و مبانی فلسفی خود، نیازمند اجرای درست برنامه درسی است. به‌منظور اجرای صحیح برنامه درسی، باید به عناصر اصلی آن، یعنی عناصر فرایند یاددهی - یادگیری، توجه کافی داشت. در واقع روش تدریس، ابزار آموزشی مرتبط، علاقه و نگرش یادگیرندگان در خصوص فرایند یاددهی - یادگیری از جمله این عناصر هستند (بوریس^۶، ۲۰۲۰). از نظر صاحب‌نظرانی همچون کالایان و کاسیم^۷ (۲۰۱۴)، در بسیاری از کلاس‌های آموزشی، یاددهی - یادگیری مبتنی بر شیوه‌های سنتی و ناکارآمد انجام می‌شود. این شیوه‌ها نه تنها به موفقیت در فرایند تحصیلی و تربیتی افراد منتهی نمی‌شوند؛ بلکه نوعی رقابت در کلاس درس و بین فراگیران ایجاد می‌کنند.

رقابت در فرهنگ آکسفورد، به معنای چشم‌وهم‌چشمی کردن و مسابقه دادن با رقیب است و به عبارت دیگر، در دو معنا به کار می‌رود: اولی به معنای تلاش همراه دیگران است و دومی به معنای تلاش علیه دیگران (پیپر^۸، ۲۰۱۴؛ صادقی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین رقابت در ذات خود، امری نامطلوب نیست و تا حدودی برای پویاسازی دانش‌آموزان و رسیدن به پیشرفت تحصیلی نیاز است. رقابت زمانی مشکل‌ساز می‌شود که به هدف تبدیل شود یا با توانایی فرد متناسب نباشد یا بیشتر از حس همکاری، برنده شدن در آن محسوس باشد (حسن‌زاده پلکویی و صالحی، ۱۳۹۶). در جوامع امروزی، رقابت بیشتر در معنای دوم (علیه دیگران) رواج یافته است؛ تاجایی که اثر رقابت بر عملکرد افراد، منفی تلقی می‌شود (وانگ و یانگ^۹، ۲۰۰۳). در کل رقابت انواع گوناگونی دارد: رقابت فرد در مقابل فرد، رقابت فرد در مقابل جمع، رقابت جمع در برابر فرد و رقابت جمع در برابر جمع. آنچه بیشتر از همه در نظام آموزشی ایران رواج دارد، رقابت فرد در مقابل فرد است (کرامتی، ۱۳۹۶). این موضوع از دوران کودکی آغاز و با آزمون‌های استعداد درخشان تشدید می‌شود (ادیب و همکاران، ۱۳۹۶). سپس با شروع هجده سالگی، در آزمون سراسری برای ورود به دانشگاه‌ها، به اوج خود می‌رسد. رقابت در تمام این مراحل، این حس را به فراگیر القا می‌کند که اگر در این آزمون‌ها و امتحانات نمره شایسته‌ای کسب نکند، صلاحیت ندارد و از طرف جامعه، به

طرق مختلف طرد خواهد شد. از منظر رفتارگرایان، این نوع رقابت‌ها را می‌توان منبعی انگیزشی در نظر گرفت که فرد صرفاً تلاش می‌کند تا برنده شود (برگن^{۱۰}، ۲۰۱۶).

در محیط‌های رقابتی منفی، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند شایستگی خود را در مقایسه با دیگران بسنجند و به خود یا دیگران، بدون توجه به تفاوت‌های فردی، برچسب بزنند (کنینگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰). برچسب‌زدن منفی (دادن القابی مانند بی‌استعداد، تنبل و...) حس ضعیف‌بودن را به افراد منتقل می‌کند. افرادی که در معرض این برچسب‌ها قرار می‌گیرند، به‌مرور خودشان نیز به این باور می‌رسند که تنبل، ضعیف یا بی‌استعداد هستند. در این صورت، یا باید این برچسب‌ها را بپذیرند و از دور رقابت خارج شوند یا باید تمام توان خود را به کار گیرند تا در این رقابت پیروز شوند و این برچسب‌ها را از خود دور کنند. برچسب‌های مثبت نیز افراد را به این باور می‌رسانند که با شکست در رقابت، این برچسب‌ها (باهوش‌بودن، برتربودن و...) را از دست می‌دهند و برای از دست‌دادن این القاب، دست به هر کاری می‌زنند؛ حتی ممکن است به افراد دیگر آسیب روحی یا جسمی بزنند. در این میدان، این برچسب‌ها هستند که به افراد ارزش می‌دهند و به خود وجودی انسان و تلاش و پیشرفت وی به اندازه‌ی القاب توجه نمی‌شود.

بنابراین، افراد در قبال این برچسب‌ها دو واکنش خواهند داشت؛ گروه اول افرادی هستند که جزو گروه برتر و موفق هستند و گروه دوم افرادی هستند که از دور مسابقه خارج و به دانش‌آموز تنبل یا بی‌استعداد تبدیل می‌شوند. این رقابت هم برای گروه اول و هم برای گروه دوم آسیب‌زا است. دانش‌آموزی که همیشه برنده است دچار غرور کاذب می‌شود؛ زیرا تصور می‌کند که بهترین است و ممکن است دچار اضطراب از دست‌دادن جایگاه برتر خود شود. گروه دوم، که همان طردشدگان هستند، دچار نفرت و بیزاری از گروه اول می‌شوند و خود را بی‌کفایت و بی‌استعداد می‌پندارند (کرامتی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین رقابت فرد در مقابل فرد (رقابت فردی) دارای مضرات بسیاری است؛ تاجایی که می‌توان از آن به‌عنوان رقابت منفی^{۱۲} نام برد.

کلمهٔ رقابت در ذات خود، نه مثبت است و نه منفی. در پژوهش حاضر، در صورت نیاز، به‌جای کلمهٔ رقابت از کلمهٔ رقابت منفی و رقابت مثبت استفاده می‌شود. در راستای رقابت منفی، باور رایجی وجود دارد که بر اساس آن، رقابت باید افراد یا گروه‌ها را در مقابل یکدیگر قرار دهد. از این منظر، معمولاً فقط یک جایزه وجود دارد که فقط یک گروه یا یک فرد می‌تواند آن را به دست آورد. درنهایت این فضا باعث می‌شود که فرد احساس نارضایتی کند و افسرده شود (بنی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۷). رقابت منفی درنهایت به افزایش استرس در دانش‌آموزان منجر می‌شود (حسن‌زاده پلکویی و صالحی، ۱۳۹۶). در مقابل، باور رایج دربارهٔ رقابت مثبت این است که افراد در نه در مقابل هم، بلکه در کنار هم به رقابت می‌پردازند و درنهایت، هر فرد با خود مقایسه می‌شود و بر اساس پیشرفت خود جایزه می‌گیرد.

رقابت به‌منزلهٔ نظامی انگیزشی است و نظام انگیزشی رقابتی در مقابل نظام انگیزشی مشارکتی مطرح می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که افراد در نظام انگیزشی رقابتی، با انگیزه و جاه‌طلب‌تر هستند و ارادهٔ

بالاتری برای پشتکار در مقابل سایر افراد نشان می‌دهند (آلن و ارتاک^{۱۴}، ۲۰۱۹؛ اورس^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۳). نظام انگیزشی رقابتی ممکن است عملکرد افرادی را که رقابت را ترجیح می‌دهند افزایش دهد (لوتی و ولتر^{۱۶}، ۲۰۲۳). اگر به این افراد، کار متوسط رو به آسان محول شود، عملکرد آنان بهبود می‌یابد. این «شکاف دشواری کار» نشان می‌دهد که کارهای ساده‌تر ممکن است دانش‌آموزان بیشتری را به رقابت وادار کند؛ زیرا «عملکرد خوب در یک کار» به‌مثابه انگیزه‌ای برای آنان عمل خواهد کرد (هویر^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۰). نظام انگیزشی مشارکتی، علاوه بر افزایش انگیزه رقابت در افراد، حس نوع‌دوستی، پیشرفت برای هم و پیشرفت باهم را نیز به افراد منتقل می‌کند. در این نوع نظام، تلاش می‌کنیم به‌صورت گروهی در رقابت برنده شویم؛ تلاش می‌کنیم دیگران در رقابت آسیب نبینند و همراه با ما، پیشرفت کنند. این نوع تفکر هم حس نیاز افراد به نظام انگیزشی رقابتی را برطرف می‌کند و هم از برنده‌شدن افراد به هر قیمتی جلوگیری می‌کند؛ بنابراین جوامع آموزشی نیاز به نوعی نظام انگیزشی مشارکتی دارند تا هم روحیه مشارکتی را ارتقا ببخشند و هم نظام انگیزشی رقابتی متعادلی را برقرار سازند.

در کشور ایران، قناعت‌پیشه (۱۳۸۴)، صادقی (۱۳۹۰)، غلامی و لطیفی (۱۳۹۲)، کرامتی (۱۳۹۶)، حبیبی و همکاران (۱۴۰۰)، شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۴) و رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی موضوع رقابت پرداخته‌اند. کرامتی (۱۳۹۶) به تأثیرات رقابت منفی در میان دانش‌آموزان اهتمام ورزیده است. رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) و صادقی (۱۳۹۰) به بررسی زمینه‌ها و دلایل ایجاد رقابت ناسالم در میان فراگیران (کسب محبوبیت، مقایسه‌های والدین، جلب توجه معلم و ترس از پیشی گرفتن و...) پرداختند. همچنین قناعت‌پیشه (۱۳۸۴)، پژوهش خود را به مقایسه اثربخشی رقابت فردی، تلاش فردی و رقابت گروهی اختصاص داد. به‌طور کلی، نقطه اشتراک در نتایج این سه مقاله را می‌توان این‌گونه بیان کرد: رقابت فردی (رقابت فرد در مقابل فرد) آسیب‌زاست و تأثیرات مخربی در فرایند یاددهی - یادگیری دارد. همچنین کرامتی (۱۳۹۶)، غلامی و لطیفی (۱۳۹۲)، رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) و صادقی (۱۳۹۰) به جایگزینی رقابت گروهی بر فردی تأکید دارند. همچنین در پژوهش‌های شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۴) و حبیبی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه رقابت تحصیلی بر متغیرهای گوناگونی از جمله پیشرفت تحصیلی، انگیزه تحصیلی، مشارکت یادگیری، مهارت‌های حرکتی و اشتیاق تحصیلی پرداختند که نشان می‌دهد موضوع رقابت در آموزش و پرورش تأثیرگذار و بحث‌برانگیز است.

در پژوهش‌های خارجی می‌توان به پژوهش‌های آکپینار^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۵)، شین^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۷)، پسوت و نیفلد^{۲۰} (۲۰۲۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) اشاره کرد. در هر چهار مقاله، رقابت را به‌خودی‌خود منفی نمی‌دانند. شین و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که رقابت به‌خودی‌خود نه خوب است نه بد. مشکل زمانی به وجود می‌آید که بیش‌ازحد بر برنده‌شدن و رقابت نامناسب تأکید شود. در مقابل آکپینار (۲۰۱۵)، به‌طور کلی هرگونه تأثیر منفی رقابت را رد کرده است. همچنین تأثیر مثبت همکاری گروهی را تأیید کرده است و همانند پسوت و نیفلد (۲۰۲۱) به تأثیر همکاری در کنار رقابت اشاره

کرده است. از نظر آنان، رقابتی که توأمان با همکاری و مشارکت باشد، نه تنها تأثیر مخربی ندارد، بلکه در فرایند یاددهی - یادگیری سازنده و یاریگر است. علاوه بر آن، ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) بر این باورند که رقابت و مسابقه فرایندی است که به اضطراب منجر می‌شود. باین حال، بسیاری از نظریه‌پردازان انگیزه بیان کرده‌اند که رقابت باعث ترویج رفتارهای منفی می‌شود (هتی^{۲۱}؛ ۲۰۰۸؛ کوهن^{۲۲}؛ ۱۹۹۲؛ لیننبرینک^{۲۳}؛ ۲۰۰۵). در کل، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که تفسیر نادرست از رقابت ممکن است به رفتارهای منفی مانند ذهنیت برنده‌شدن به هر قیمتی منجر شود و پیامدهای نامطلوبی خواهد داشت (مکلثود و اورکیولا، ۲۰۱۵؛ باو، ۲۰۲۲). اگر نگاه هرکس از رقابت، همان رقابت منفی باشد، باعث آسیب به تعلیم و تربیت می‌شود (شیلدز و بردمیر^{۲۴}؛ ۲۰۱۰). زمانی که فرد به دنبال تلاش علیه دیگران باشد و رقابت را به معنای تلاش با یکدیگر نداند، هم به خود و هم به دیگران آسیب می‌زند؛ از جمله آسیب‌ها می‌توان به اضطراب فردی (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳)، استرس (حسن‌زاده پلکویی و صالحی، ۱۳۹۶)، سرخوردگی (کرامتی، ۱۳۹۶) و... اشاره کرد. همچنین، پیشینه نشان می‌دهد که رقابت در صورتی مثبت خواهد بود که به صورت گروهی انجام شود یا فردگرایی در تشویق‌ها کم‌رنگ‌تر شود. درنهایت، بررسی پیشینه حاکی از آن بود که درباره این موضوع، خلأ وجود دارد و از این رو اهمیت پیدا می‌کند که به سراغ آن برویم و رقابت را از منظر ذی‌نفعان، یعنی معلمان و دانش‌آموزان، واکاوی کنیم. نویسنده اول این پژوهش، که تجربه تدریس در پایه‌های اول، سوم، پنجم و ششم شهرستان‌های محمودآباد و آمل را دارد، دریافت که میزان رقابت در کلاس‌های درسش پررنگ است و باعث می‌شود رفاقت، کمک به هم‌نوع، اعتماد به نفس و... دانش‌آموزان تحت‌الشعاع قرار گیرد. او همچنین در جریان انجام پروژه اقدام‌پژوهی خود، با مصاحبه با صاحب‌نظران و بررسی پیشینه پژوهش، دریافت تا چه اندازه پراکندگی مفهومی در مورد مفهوم رقابت وجود دارد و معلمان و مدیران، باینکه قصد ترویج چشم‌وهم‌چشمی را نداشتند، در جریان رقابت به این مشکل مبتلا شده بودند. درنهایت با اشتراک تمام یافته‌ها با تیم پژوهشی، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع روشن شد. همچنین آموزش در دوران کودکی، هم برای شایستگی اجتماعی و هم برای رفتارهای رقابتی کودکان، بسیار مهم است (فتیگ^{۲۵} و همکاران، ۲۰۲۲). از این رو، پژوهشگران تصمیم گرفتند به پدیدارشناسی مفهوم رقابت، فرایند ایجاد آن و پیامدهایش در دوره ابتدایی در استان مازندران بپردازند و در پی پاسخ به این سؤالات هستند:

۱. مفهوم رقابت از دیدگاه آموزگاران استان مازندران چیست؟
۲. فرایند ایجاد رقابت از منظر آموزگاران استان مازندران چیست؟
۳. پیامدهای رقابت از دیدگاه آموزگاران استان مازندران چیست؟

در این میان، امید است که نتایج و یافته‌های پژوهش، مفهوم، فرایند و پیامدهای رقابت را روشن کند و با نشان دادن این مفهوم، فرایندها و پیامدهای آن، به مدیران و ذی‌نفعان آموزشی کمک کند تا اگر با چنین مشکلی روبه‌رو هستند، به سرعت متوجه شده و برای رفع آن اقدام کنند.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی، روش پژوهش پدیدارشناسی از نوع پدیدارشناسی توصیفی است. پژوهش پدیدارشناسانه معنای هر پدیده یا مفهوم را از نظر گروهی از افراد واکاوی می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۳). میدان پژوهش این تحقیق، تمامی معلمان استان مازندران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند که با نمونه‌گیری هدفمند، ملاک‌محور و در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌ها عبارت‌اند از: داشتن دست‌کم دو سال سابقه تجربه تدریس آموزگاری ابتدایی، داشتن آمادگی و رضایت ورود به پژوهش. برای گردآوری داده از فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که ضمن تهیه پروتکل مصاحبه، با هفده نفر در طول دو هفته مصاحبه شد و مدت مصاحبه‌ها هم از ۱۰ تا ۳۵ دقیقه بوده است. مصاحبه با یک نفر به صورت حضوری و با شانزده نفر دیگر به صورت تلفنی انجام شد. پژوهشگران با انجام چهارده مصاحبه به اشباع نظری داده‌ها رسیدند؛ اما برای اعتباربخشی به اطلاعات به دست آمده، روند مصاحبه تا هفدهمین نفر به طول انجامید. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است. همگی آن‌ها، به جز یک نفر، کارشناس آموزش ابتدایی بودند. درنهایت برای رعایت اخلاق پژوهشی، در ابتدای مصاحبه از افراد برای ضبط صدایشان اجازه گرفته شد و به آنان اطمینان داده شد که اطلاعاتشان به صورت محرمانه باقی خواهد ماند.

مصاحبه‌ها بر اساس مراحل هفت‌گانه کلایزی^{۲۶} تحلیل شدند (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۱). برای تسهیل روند مصاحبه‌ها، از نرم‌افزار مکس کیودا^{۲۷} نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد. این مراحل عبارت‌اند از:

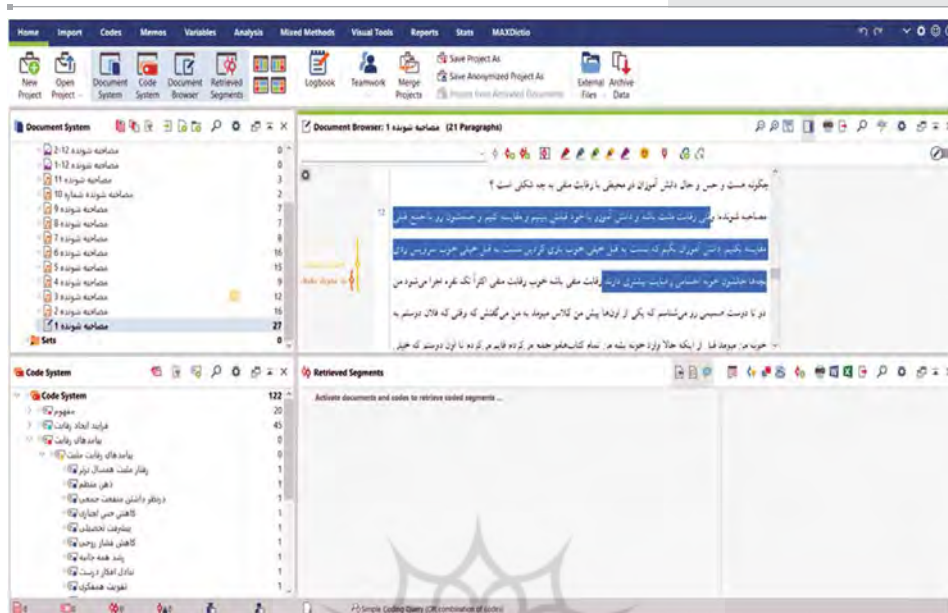
۱. خواندن تمام پروتکل: برای آشنایی اولیه، متن پیاده‌شده مصاحبه (پروتکل مصاحبه) چندین بار و به دقت خوانده شد تا دیدی کلی از مصاحبه به دست آید. بدین منظور، مصاحبه‌ها کلمه به کلمه و به دقت در نرم‌افزار مکس کیودا پیاده‌سازی شدند؛

۲. استخراج جملات مهم: هر پروتکل بررسی و واکاوی شد و عباراتی که مستقیماً با اهداف ویژه پژوهش مرتبط بودند به تدریج و گام به گام تعیین و استخراج شدند و در نرم‌افزار مکس کیودا قرار گرفتند؛

۳. فرموله کردن معانی: پژوهشگران، با مرور منظم جملات استخراج‌شده، تلاش کردند به فهم عمیقی از هریک از جملات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر برسند. سپس مفهوم جملات برگزیده را به صورت کد بیان کردند؛ این کدها با توجه به سؤالات پژوهش و ارتباط معنایی‌شان با سایر کدها، طبقه‌بندی شدند و در نرم‌افزار قرار گرفتند (شکل ۱)؛

۴. ایجاد تم‌ها (موضوعات اصلی): مراحل فوق برای تمام پروتکل‌ها تکرار شد. به عبارتی دیگر، گردآوری و تحلیل هر مصاحبه به صورت مجزا انجام شد (پس از گردآوری و تحلیل مصاحبه ۱ به سراغ گردآوری و تحلیل داده‌های مصاحبه ۲ رفتند). این تحلیل زیگزگی باعث شد با دید بازتری به گردآوری داده‌ها بپردازند. درنهایت، معانی کسب‌شده و مرتبط با هم (کدهایی که به لحاظ

- مفهومی تشابه داشتند) در یک طبقه با نامی مجزا طبقه‌بندی شدند؛
۵. تلفیق نتایج: با ترکیب موضوعات اصلی، بر اساس مفاهیم مشترک، مفاهیم کلی‌تری تشکیل شد و توصیفات کلی مربوط به پدیده، در قالب مضامین و زیرمضامین طبقه‌بندی شدند که به تفصیل در بخش یافته‌ها به آن اشاره خواهد شد؛
۶. بیان ساختار ذاتی پدیده: در این مرحله، ساختاری شامل سه محور اساسی (مفهوم‌پردازی، فرایند رقابت و پیامدهای آن) تشکیل شد (در بخش یافته‌ها به آن اشاره می‌شود). هر محور، مضامین و زیرمضامین ویژه خود را دارد؛
۷. اعتبارسنجی یافته‌ها: برای افزایش قابلیت اعتمادپذیری^{۲۸} به یافته‌های این پژوهش، ملاک‌های لینکلن و گوپا^{۲۹} به کار گرفته شد. این معیارها عبارت‌اند از: باورپذیری^{۳۰}، انتقال‌پذیری^{۳۱}، اطمینان‌پذیری^{۳۲} و تأییدپذیری^{۳۳} (دادمهر و همکاران، ۱۴۰۱). در راستای تحقق، ملاک اول، یعنی «باورپذیری»، متن مکتوب و کدهای داده‌شده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا آنان موافقت خود را در مورد صحت تحلیل‌ها بیان کنند و بعد از اعمال تعدیل‌های مدنظر، یافته‌های نهایی به دست آمد.
- با نمونه‌گیری هدفمند و ملاکی (انتخاب افرادی کاملاً آشنا و مطلع به موضوع پژوهش برای توصیف جامع سؤالات پژوهشی) قابلیت انتقال‌پذیری در پژوهش حاضر تأیید می‌شود. همچنین ارائه اطلاعات دقیق جمعیت‌شناختی و شماره‌گذاری مصاحبه‌شوندگان، به مخاطبان پژوهش کمک می‌کند درک بهتری از تفاسیر و تحلیل‌های پژوهش داشته باشند و بتوانند آن را به موقعیت‌های دیگر بسط دهند.
- در مورد ملاک اطمینان‌پذیری، مصاحبه با افراد شرکت‌کننده باید تا جایی ادامه یابد که افراد در جواب سؤال‌ها و توضیح تجارب خود به مفاهیم و تفسیرهای مشابهی اشاره کنند (رمضانلو و همکاران، ۱۳۹۹). سعی شد تا این امر در فرایند انجام مصاحبه‌ها لحاظ شود. همچنین پژوهشگر دوم، که در زمینه روش انجام تحقیق توانایی بیشتری داشت، در نقش داور و به‌عنوان ناظر خارجی بر انجام تحقیق نظارت کرد. همچنین پژوهشگران کوشیدند که نقل‌قول‌های مصاحبه‌ها را به‌دقت در یافته‌ها قرار دهند تا کار مستند شود.
- برای تأییدپذیری معیارها، پژوهشگر اول ابتدا مصاحبه‌ها را کلمه‌به‌کلمه در نرم‌افزار MAXQDA پیاده‌سازی کرد و یادداشت‌های تأملی^{۳۴} خود را نیز در همین نرم‌افزار وارد کرد. پس از تحلیل متن و صوت، تأیید کدهای تعیین‌شده توسط استاد و همکار پژوهشی صورت گرفت. همچنین یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شدند و پژوهشگران با استناد به مبانی نظری به تبیین آن پرداختند. در خصوص روایی محتوایی سؤالات، سؤالات مصاحبه با همکاران پژوهشی (در جایگاه ناظر پژوهشی به دلیل تخصص در این زمینه) به‌صورت رفت‌وبرگشتی بازبینی شد. همچنین روند مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسیدن سؤالات روشن‌گر و هدایت‌کننده انعطاف‌پذیرتر شد.



شکل ۱. گذگاری در MAXQDA

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	تحصیلات	سابقه	جنسیت	پایه فعلی	چه پایه‌هایی سال‌های قبل تدریس کرده
۱	دانشجوی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۵	زن	سوم ابتدایی	دوم و سوم و ششم
۲	دانشجوی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۵	زن	اول	ششم و سوم و چهارم و پنجم
۳	دانشجوی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۶	زن	چهارم	اول و پنجم و ششم
۴	کارشناسی آموزش ابتدایی	۲	زن	چهارم	چهارم و ششم
۵	کارشناسی آموزش ابتدایی	۴	زن	چهارم	چهارم، اول و سوم
۶	کارشناسی آموزش ابتدایی	۵	زن	پنجم	همه پایه‌ها
۷	کارشناسی آموزش ابتدایی	۶	زن	پنجم	پنجم و ششم
۸	کارشناسی آموزش ابتدایی	۳	زن	دوم	پنجم و دوم و سوم
۹	دانشجوی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۵	زن	مدیر	چهارم تا ششم
۱۰	کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و کارشناسی روان‌شناسی	۳۱	زن	مدیر	همه پایه‌ها به‌جز ششم

جدول ۱. (ادامه)

ردیف	تحصیلات	سابقه	جنسیت	پایه فعلی	چه پایه‌هایی سال‌های قبل تدریس کرده
۱۱	دانشجوی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۶	زن	چهارم	چهارم تا ششم
۱۲	کارشناسی آموزش ابتدایی	۲۳	زن	دوم	همه پایه به جز چهارم و ششم
۱۳	ارشد برنامه‌ریزی آموزشی	۱۰	مرد	معاون	سوم تا ششم
۱۴	ارشد برنامه‌ریزی آموزشی	۱۳	مرد	مدیر آموزگار	همه پایه‌ها
۱۵	کارشناسی آموزش ابتدایی	۴	زن	ششم	چهارم، ششم، پنجم، سوم
۱۶	کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی	۱۸	زن	دوم	اول تا چهارم
۱۷	کارشناس آموزش ابتدایی	۹	مرد	اول و دوم	اول تا سوم

یافته‌ها

در پاسخ به سؤالات پژوهش، نتایج ذیل به دست آمده است:

در پاسخ به سؤال اول درباره مفهوم رقابت از دیدگاه آموزگاران، شرکت‌کنندگان رقابت را در سه مضمون رقابت مثبت، رقابت آمیخته (مثبت یا منفی) و رقابت منفی و نه زیرمضمون طبقه‌بندی کردند (جدول ۲).

جدول ۲. مفهوم رقابت

مضمون اصلی	زیرمضمون
رقابت مثبت	رقابت همراه با رفاقت
	تلاش هرروزه
	دستیابی به یک تقویت
رقابت آمیخته	مسیری هدفمند
	نیاز به توجه
	قله فرضی
رقابت منفی	برتری در مسابقه
	چشم‌وهم‌چشمی
	نردبانی از جنس دیگران

مضمون اصلی ۱: تعریف رقابت مثبت

رقابت مثبت در واقع نوعی کمک مشارکتی است؛ زیرا بازیکنان به یکدیگر کمک می‌کنند تا مهارت‌ها و برتری‌های خود را توسعه دهند (سایمون^{۳۵}، ۲۰۱۸)؛ بنابراین رقابت به منزله فرایندی بین رقبا و همچنین به مثابه فرصتی برای همکاری بین شرکا دیده می‌شود (لیت^{۳۶} و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به یافته‌های به دست آمده از مصاحبه، می‌توان رقابت مثبت را به زیرمضمون‌های فوق طبقه‌بندی کرد:

● رقابت همراه با رفاقت (پیشرفت برای همه)

شرکت‌کنندگان معتقد بودند که رقابت نباید صرفاً به صورت فردی باشد و لازم است به شکل گروهی و با تعداد زیادی از افراد برگزار شود. همچنین رقابت در صورتی مثبت است که هر دو طرف رقابت بتوانند به پیشرفت برسند. «در رقابت، فقط یک فرد نباید تشویق یا تنبیه بشه و فرد باید موفقیتش را در تعامل با دیگران ببینه» (شرکت‌کننده شماره ۲). «اگر افراد در گروه‌های همگن قرار بگیرند و همسو و همدل باشند و به رقابت با یکدیگر بپردازند می‌توانند رقابت منفی را کم کنند» (شرکت‌کننده شماره ۸). «رقابت یعنی فعالیتی که منجر به پیشرفت همه افراد بشه چه دانش‌آموزای ضعیف و چه دانش‌آموزای قوی» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

● تلاش هرروزه

«تلاش هرروزه» یکی از تعاریفی است که در یافته‌ها، به عنوان رقابت مثبت، شایان توجه بوده است. تلاش هرروزه به این معناست که افراد با خود به رقابت بپردازند و بتوانند از دیروز خود پیشی بگیرند، نه از دیگران. «اگر رقابت را در جنبه مثبت و در مقایسه با خود فرد ببینیم؛ این سؤال مطرح می‌شه که آیا من امروز، از دیروز خود بهتر بودم یا نه؟» (شرکت‌کننده شماره ۷).

● دستیابی به یک تقویت

از نظر یکی از شرکت‌کنندگان، رقابت اگر اصولی انجام شود، به تقویت ختم می‌شود. این تقویت می‌تواند به شکل‌های گوناگونی باشد. «ما در رقابت به دنبال رسیدن به تقویت هستیم که این تقویت برای ارگانیزم یک موفقیت یا پاداش محسوب می‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

مضمون اصلی ۲: تعریف رقابت آمیخته (رقابت مثبت و منفی)

در یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌شوندگان، پژوهشگران گاهی به تعاریفی رسیدند که هم می‌تواند در معنای مثبت و هم در معنای منفی به کار برود و نوع کاربرد و جامعه هدف می‌تواند نوع دقیق رقابت را مشخص کند. در یکی از تعاریف، می‌توان رقابت را هدفی برای فراگیران دانست که برایشان چالش‌هایی ایجاد می‌کند و از طریق آن، می‌توانند خود را به همکاری با دیگران وادار کنند (آکوا و کاتز^{۳۷}، ۲۰۲۰).

● مسیری هدفمند

رقابت در نظر بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، مسیری است که افراد برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشخص طی می‌کنند. «رقابت به‌طور کلی یعنی پیش رفتن یا به مسیری رو رفتن و به هدفی رسیدن» (مصاحبه‌شونده ۱). «رقابت یک برهم‌کنش یا کوششی بین دو یا چند ارگانیزم است و غایت رقابت رسیدن به یک هدف است» (شرکت‌کننده شماره ۱۱). «افراد در رقابت می‌خوان به نحو بهتر به یک هدف مشترک برسند» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

● نیاز به توجه

از نظر شرکت‌کنندگان، جلب‌توجه ویژگی دیگری است که افراد را به سمت رقابت می‌کشاند. «جلب‌توجه، احساس نیاز به که شخص می‌خواهد خودش رو نشون بده... توانایی‌ها و استعداد خودش رو به دیگران نشون بده...» (مصاحبه‌شونده شماره ۴). «افراد مختلف در حیطه درسی و ... با رقابت می‌خوان خودشون رو بیشتر نشون بدن که من این کار و تونستم انجام بدم و خودشون رو به دیگران اثبات کنند... این نیاز به جلب توجه تا به حدی عادیه... ولی اگه بیش از حد بشه... رقابت رو منفی می‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۶).

● قله فرضی

شرکت‌کننده‌ای در مصاحبه خود، رقابت را قله فرض کرد. «افراد دوست دارن خودشون رو به به قله‌ای برسوند... این قله می‌تونه جایگاهی باشه که می‌دونن خوبه و اون‌ها هم می‌خوان به اون برسند یا این قله می‌تونه رسیدن به کمالی باشه که مدنظر کسی هست که اونا قبولش دارند برای مثال می‌دونن این قله از نظر معلم بهترین هست؛ پس برای رسیدن به اون قله، کوه‌پیمایی را آغاز می‌کنند» (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

مضمون اصلی ۳: تعریف رقابت منفی

از نظر بسیاری از شرکت‌کنندگان رقابت در جوامع امروزه، به‌ویژه آموزش ایران، از نوع رقابت منفی است. این رقابت از آنجاکه رایج است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رقابت منفی بین افراد را می‌توان به‌عنوان نوعی رفتار رقابتی درک کرد که نتایج زیانباری برای طرفین درگیر به همراه دارد. این شکل از رقابت با اقداماتی مشخص می‌شود که منافع شخصی را در اولویت قرار می‌دهند و به ضرر دیگران هستند و اغلب به عواقب زیانباری برای فرد منجر می‌شود.

● برتری در مسابقه

شرکت‌کنندگان بر این نظر بودند که امروزه افراد را به سمت رقابتی سوق می‌دهیم که نه با خود، بلکه با دیگران مقایسه شوند. در این مقایسه، افراد به دنبال برتر شدن هستند؛ این به آن

معناست که هرچند من بتوانم از دیروز خودم بهتر شوم، ولی چون دیگران هم پیشرفت کرده‌اند و به سطح من رسیده‌اند، من موفق نشده‌ام. «در رقابت منفی، فردی که برای هدفی تلاش می‌کند... دوست ندارد که موفقیت دیگران رو ببیند یعنی وقتی موفق می‌شود که بقیه ضعیف‌تر از او عمل کنند» (شرکت‌کننده شماره ۵). «خیلی از ماها فکر می‌کنیم که اگر بیایم دوتا بچه رو باهم مقایسه کنیم؛ این مقایسه، باعث می‌شود که دانش‌آموز ضعیف‌تر به خودش بیاد و تلاشش رو بیشتر کنه ولی درواقع این‌طور نیست و صرفاً حس حسادت بچه تقویت می‌کنیم» (شرکت‌کننده شماره ۷).

● چشم‌وهم‌چشمی

بنا بر نظر بعضی از شرکت‌کنندگان، ما نه تنها در تحصیل، بلکه در زندگی روزمره خود نیز دچار رقابت از نوع چشم‌وهم‌چشمی هستیم. «بنا بر تجربه زیسته خودمون در عام مردم وقتی اسم رقابت می‌آد شاید معنی دقیقش رو ندونن ولی اونی که بار منفی داره به ذهن می‌آد همون چشم‌وهم‌چشمی یا دیدن شکست دیگران که این تفکر رو از خونه و والدینشون الگو می‌گیرند» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

● نردبانی از جنس دیگران

برای اینکه فرد بتواند در رقابت منفی پیروز شود، از دوستانش نردبانی درست می‌کند و پاهایش را روی شانه‌های آن‌ها می‌گذارد. «رقابت در نگاه منفی این‌طوری هست که افراد رو پله کنیم برای اینکه خودمون به موفقیت برسیم و بتونیم از نردبون بیایم بالا و توجهی نکنیم که اون‌ها دارند آسیب می‌بینند» (شرکت‌کننده شماره ۷).

در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر «فرایند ایجاد رقابت از منظر آموزگاران چیست؟»، مصاحبه‌شوندگان پس از تعریف رقابت، فرایند شکل‌گیری آن را بیان کردند. این فرایند به ما کمک می‌کند که بتوانیم به تعریف درست و اصولی از رقابت برسیم و پیامدهای منفی آن را اصلاح کنیم و پیامدهای مثبتش را ارتقا بخشیم. این فرایند شامل چهار مضمون اصلی و دوازده زیر مضمون است (جدول ۳).

جدول ۳. فرایند ایجاد رقابت

مضمون اصلی	زیرمضمون
فرایند ایجاد رقابت در بدو تولد	کمال‌گرایی و جنگجویی
	توجه‌طلبی مفرط
فرایند ایجاد رقابت در خانه	جو روانی منفی در جمع‌های خانوادگی
	تحصیلات عالی در والدین

مضمون اصلی	زیرمضمون
فرایند ایجاد رقابت در سیستم آموزشی	رتبه‌بندی دانش‌آموزان
	توجه به ارزشیابی توصیفی در برابر نمره‌محوری
	آزمون‌های رقابتی (نمونه‌دولتی، تیزهوشان و کنکور)
فرایند ایجاد رقابت در مدرسه	مفهوم‌سازی رقابت در ذهن فراگیر
	تغییر نگرش بزرگسالان
	توجه و تشویق یکسان معلم به فراگیران
	الگوسازی مناسب
	توجه به تفاوت‌های فردی

مضمون اصلی ۱: فرایند ایجاد رقابت در بدو تولد

● کمال‌گرایی و جنگجویی

بعضی از افراد ذاتاً مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی دارند که در صورت عدم کنترل، آن‌ها را به سمت رقابت منفی سوق خواهند داد. «اگر فرد از لحاظ شخصیتی یک روحیه جنگجویی داشته باشد یا یک روحیه کمال‌گرایانه‌ای داشته باشد یا روحیه برتری‌جویانه داشته باشد می‌تونه برای رسیدن به موفقیت در رقابت دست به هر کاری بزنه و رقابت را از این طریق به رقابت منفی تبدیل کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

● توجه‌طلبی مفرط

گاهی مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان تمایل زیادی به این موضوع دارند که می‌خواهند خود را به والدین، معلم، خویشاوندان، هم‌سالان و حتی جامعه اثبات کنند. این همان حس نیاز مفرط به جلب توجه است. «این حس جلب‌توجه خیلی مهمه و باید به‌خوبی بتونیم اون رو کنترل کنیم. توی ابتدایی بچه‌ها خیلی به معلمشون و والدینشون وابسته‌اند و دوست دارند که هر کاری انجام بدن تا مورد توجه والدین و مخصوصاً معلم باشند. این حس بیش‌ازحد برای جلب‌توجه می‌تونه اون‌ها رو به سمت رقابت منفی ببره... رقابتی که هیچ‌چیز اهمیت نداره؛ به‌جز اینکه در مرکز توجه باشند» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

مضمون اصلی ۲: فرایند ایجاد رقابت در خانه

● جو روانی منفی در جمع‌های خانوادگی

علاوه بر نگرش منفی والدین و معلمان، که در مضمون قبلی به آن اشاره شد، می‌توانیم به جو روانی منفی در میان خویشاوندان نیز اشاره کنیم. «رقابت منفی یعنی اینکه من خودم رو با دیگران می‌مقایسه می‌کنم. در جمع‌های خانوادگی هم این اتفاق می‌افته. برای مثال خود من وقتی وارد خونه مادر یا پدرم می‌شوم اونجا مادرم به من می‌گه که چرا مثلاً به بچه‌ها فست فود دادی چاق شدن و اینا... پس وقتی این بچه‌ها می‌خوان وارد جمع‌های خانوادگی هم بشن یک سری ترس‌هایی رو دارند و اینکه مثلاً با بچه‌های لاغر فامیل مقایسه بشن... مقایسه کردن باعث می‌شه که بچه‌ها داخل جمع قرار نگیرند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

● تحصیلات عالی در والدین

به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، یکی از دلایلی که در میزان رقابت منفی به صورت غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد، تحصیلات بالا در والدین است. «بچه‌هایی که اولیای باسوادتری دارند؛ رقابت منفی در اون‌ها بیشتر هست. چون توقعشون از بچه‌ها بالاتر می‌ره و بچه‌ها هم برای اینکه بتونند خودشون رو به والدین خود اثبات کنند و هم اینکه بخواند مثل والدینشون برتر باشند و کم نیارند به سمت رقابت منفی می‌رن» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

مضمون اصلی ۳: فرایند ایجاد رقابت در سیستم آموزشی

● رتبه‌بندی دانش‌آموزان

رتبه‌بندی دانش‌آموزان زیرمضمونی بود که یکی از مصاحبه‌شوندگان مطرح کرد. در آموزش و تربیت دانش‌آموزان، نباید به دانش‌آموزان رتبه بدهیم. «باید دانش‌آموزها رو رتبه‌بندی کنیم و یکی رتبه اول بگیره بقیه رتبه‌های بعدی باشند. چیزی که ما در آموزشمون زیاد می‌بینیم رتبه اول تا سوم سرود، رتبه اول تا سوم امتحانات نوبت اول و... اگر وضعیت این‌طوری نباشه ما می‌تونیم رقابت منفی رو به مثبت تبدیل کنیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

● توجه به ارزشیابی توصیفی در برابر نمره‌محوری

«ارزشیابی توصیفی، هم باعث کاهش استرس دانش‌آموز میشه و هم میزان رقابت منفی بین دانش‌آموزان کم می‌شه ولی متأسفانه، بعضی از معلم‌ها خودشون نمره‌دهی و ارزشیابی کمی رو دوست دارند. به صورتی که در زیر نمره مثلاً خیلی خوب، برای دانش‌آموز می‌نویسند ۲۰» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

● آزمون‌های رقابتی (نمونه دولتی، تیزهوشان و کنکور)

غالب مصاحبه‌شوندگان بر این نظر بودند که یکی از دلایل مهم رقابت منفی در جامعه ایران، برگزاری آزمون‌های رقابتی است. «یکی دیگه از عواملی که باعث رقابت منفی می‌شه... تیزهوشان و آزمون برگزاری آزمون آن هست... در این جامعه، افراد همیشه با خودشون می‌کن که فلانی فلان دانشگاه مثل شریف و شهید بهشتی و... قبول شد؛ پس من هم برای اینکه بتونم در جامعه سر بلند بکنم و بتونم وارد جامعه بشم؛ باید در این آزمون‌ها رتبه قابل قبولی رو کسب بکنم وگرنه نمی‌تونم زندگی موفق داشته باشم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

مضمون اصلی ۴: فرایند ایجاد رقابت در مدرسه

● مفهوم‌سازی رقابت در ذهن فراگیر

غالب مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که برای ایجاد رقابت مثبت، باید این رقابت را به صورت صحیح و اصولی تعریف کنیم (رقابت همراه با رفاقت، پیشرفت من در کنار پیشرفت دیگران، تلاش هرروزه، همدلی، همکاری و کار گروهی، دستیابی به یک تقویت) و آن را از رقابت منفی متمایز سازیم. «رقابت باید طوری تعریف بشه که آدم با خودش مقایسه بشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱). «ما در ابتدا باید تعریف رقابت را برای دانش‌آموزان مشخص کنیم و به اونا بگیم که چرا دارن این رقابت رو انجام می‌دن و ملاک و معیار رقابت را از قبل، برای آن‌ها مشخص کنیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

● تغییر نگرش بزرگسالان (از طریق برگزاری فعالیت‌های مشارکتی و کارگاه‌های آموزشی)

برای آنکه بتوان رقابت را به خوبی برای کودکان تعریف کرد، لازم است بزرگسالان (والدین، معلمان) نیز این تعاریف را بدانند و بپذیرند. «یه سری آگاه‌سازی‌ها، علاوه بر دانش‌آموزان باید برای والدین هم صورت بگیره که اون‌ها یه تفکر سالم داشته باشن و بچه‌هاشون که ابتدا از والدین و سپس از معلمان الگو می‌گیرند بتونن یه الگوی درستی در مورد نحوه رقابت کردن داشته باشند» (مصاحبه‌شونده شماره ۶). «این رقابت باید بین معلمان هم به رقابتی مثبت تبدیل بشه... ما یک کاری داریم به نام درس پژوهی که اگر به نظر بنده بتونیم اون رو لحاظ بکنیم و اون رو به اصطلاح اجرا بکنیم؛ باعث پیشرفت در فرایند تحصیل دانش‌آموزان می‌شه. ما حتی این رقابت منفی رو در بین معلمان خودمون هم می‌بینیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

● الگوسازی مناسب

همسالان می‌توانند الگوی یکدیگر باشند؛ اما از نظر مصاحبه‌شونده این پژوهش، نوع الگوپذیری بسیار مهم است. ما باید دانش‌آموزان را بر سر تلاش و پیشرفت، الگوی هم قرار دهیم و نه نمره و استعداد ذاتی. «گر می‌خواهیم که رقابت مثبت ایجاد بشه و در این حال مقایسه سالمی رو هم ایجاد

کنیم باید مدرسه یا خانواده به بچه‌ها بگن که نگاه کن دوستت تلاش کرده و با تلاش خودش و بالا کشیده و یا اینکه تونسته با انجام یه سری کارها فلان مهارت رو در خودش ایجاد کنه شما هم بیاید این کار رو انجام بدید» (مصاحبه‌شونده شماره ۴).

● توجه و تشویق برای همه

توجه و تشویق یکسان معلم برای دانش‌آموزان علاوه بر اینکه موضوعی اخلاقی است و عدالت آموزشی را مطرح می‌کند، به رقابت مثبت منجر می‌شود. «وقتی دانش‌آموزها این اطمینان رو داشته باشند که معلم قراره به همه‌شون توجه کنه... در این زمان، می‌تونن خلاقیت مختص به خودشون رو نشون بدن و بدون هیچ ترسی در رقابت شرکت کنند و می‌تونن ۱۰۰ خودشون رو در اون کار بگذارند و به معنای واقعی به فکر تلاش کردن هستند و نه اول شدن و موردتوجه بودن صرف» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

● توجه به تفاوت‌های فردی از طریق گروه‌های نامتجانس

با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، اگر مقایسه‌ای در رقابت مثبت صورت می‌پذیرد، باید به صورت گروهی باشد. در این گروه‌ها افراد از لحاظ توانایی، باید نامتجانس (ترکیبی از افراد قوی و ضعیف) باشند. «ما نمی‌تونیم انسان‌ها رو بیایم رقیب همدیگه قرار بدیم. این موضوعی می‌تونه در مورد هر چیزی باشه... پس یک دانش‌آموز باید با قبل خودش مقایسه شه. نمی‌تونیم بهش بگیم که تو بهتر از زهرا بودی! چون زهرا از لحاظ توانمندی جسمی ذهنی و... با اون فرق می‌کنه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱). «ما به عنوان معلم می‌تونیم افراد داخل گروه رو جوری قرار بدیم که هم افراد قوی داخل گروه باشند و هم افراد ضعیف. این چینش باعث می‌شه که افراد قوی برای پیروزی در این رقابت به افراد ضعیف کمک کنند که اونا هم یاد بگیرند» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

در پاسخ به سؤال سوم درباره پیامدهای رقابت از دیدگاه آموزگاران استان مازندران، پس از بررسی تعاریف رقابت و روش‌های ایجاد آن، باید به واکاوی پیامدهای هریک از انواع رقابت (اعم از فردی و اجتماعی) پرداخت. به نظر پسوت و نیتفلد (۲۰۲۱)، بحث غالبی وجود دارد که آیا رقابت بر دانش‌آموزان تأثیر مثبت یا منفی دارد یا نه؟ به عبارتی دیگر، رقابت پدیده‌ای است که مردم اغلب درباره آن صادقانه صحبت نمی‌کنند؛ یعنی تعداد کمی از مردم به صراحت در مورد قصد خود غلبه بر دیگران در محیط‌شان صحبت می‌کنند. این نوعی انگیزه درونی بسیار شخصی است و تشخیصش چندان آسان نیست؛ اما اغلب رفتار ما را هدایت می‌کند و به پیامدهای مثبت و منفی متعددی یاری می‌رساند (ژوریشویچ^{۲۸}، ۲۰۲۰). پیامدهای رقابت از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان شامل دو مضمون اصلی و سیزده زیرمضمون است (جدول ۴).

جدول ۴. پیامدهای رقابت

مضمون اصلی	زیرمضمون	
پیامدهای فردی	مثبت	افزایش حس رضایت و کاهش تنش
		افزایش اعتماد به نفس
		نمایان‌سازی خود واقعی
	منفی	شرطی شدن
		بیماری‌های روحی و جسمی
		کمال‌گرایی مفرط و از حال لذت نبردن
		غرور و اعتماد به نفس کاذب
		مادی‌نگری و بزهکاری در بزرگسالی
		کاهش کیفیت عملکرد
		درماندگی آموخته شده
پیامدهای اجتماعی	مثبت	یادگیری عمیق از طریق هم‌سالان
		تخریب رابطه عاطفی در هم‌سالان
	منفی	ایجاد شکاف بین والدین و فرزندان
		کاهش مشارکت و افزایش فردگرایی

مضمون اصلی ۱: پیامدهای فردی

رقابت پیامدهایی دارد که اگر تقویت شود، به صورت همیشگی تثبیت می‌شود و اثری ماندگار بر زندگی فرد خواهد داشت. از این رو، در دو دهه گذشته، در مجموعه‌ای از پژوهش‌ها بررسی شده است که آیا رقابت دانش‌آموزان نتایج را بهبود می‌بخشد یا خیر؟ (کرد^{۳۹}، ۲۰۱۸؛ اگالیت^{۴۰}، ۲۰۱۶؛ ایمبرمن^{۴۱}، ۲۰۱۱؛ نی^{۴۲}، ۲۰۰۹؛ ساس^{۴۳}، ۲۰۰۶؛ زیمر و بودین^{۴۴}، ۲۰۰۹). در نتیجه دریافتند که رقابت برای تسهیل نتایج انگیزشی مثبت مانند افزایش انگیزه درونی (رایان و ریو^{۴۵}، ۲۰۲۱) به کار می‌رود.

● افزایش حس رضایت و کاهش تنش

یکی از پیامدهایی که به تکرار از زبان شرکت‌کنندگان، در پی رقابت مثبت مطرح شد، افزایش حس خشنودی و لذت از یادگیری و زندگی است. «وقتی رقابت مثبت باشه و دانش‌آموز و با خود قبش و مقایسه کنیم و جمعشون رو با جمع قبلی مقایسه بکنیم... بچه‌ها حالشون خیلی بهتر می‌شه و احساس رضایت بیشتری دارند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱). «وقتی رقابت مثبت باشه

کسی نمی‌تونه اون‌ها رو مورد تمسخر و تحقیر قرار بده و اون‌ها می‌تونن از زندگی‌شون لذت ببرن» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

● افزایش اعتماد به نفس

افزایش اعتماد به نفس از پیامدهای مهم و البته آشکار رقابت مثبت است. «در رقابت مثبتی که همراه با کار گروهی باشه افراد به همدیگه کمک می‌کنند. وقتی فرد ضعیف از طریق گروه، سطحش بالا می‌آد و اعتماد نفسش زیاد می‌شه و هم‌اینکه فرد قوی هم چون اومده این تغییر و تحول رو در دوستش به وجود آورده؛ باعث افزایش به نفسش می‌شه... یه جایی خونده بودم که پدر و مادر خوب، بچه باعرضه و با اعتماد به نفس پرورش می‌دن نه شاگردا! چه فایده که بچه‌ای امتحان رو در حد ۲۰ بگیره اما اگه سر همون امتحان، خود کارش بشکنه بشینه گریه کنه!» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

● شرطی شدن

یکی از مباحث مهم در نظریه رفتارگرایی، شرطی شدن است که یکی از مصاحبه‌شوندگان آن را پیامد رقابت منفی می‌داند. «رقابت منفی می‌تونه باعث شرطی شدن بچه‌ها بشه یعنی اینکه من درس بخونم تا اول بشم. اگر اول نشم درس خوندن من هیچ فایده‌ای نداشته... این فرد نمی‌گه من درس بخونم تا یاد بگیرم؛ باسوادشم و...» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

● بیماری روحی و جسمی

بیماری روحی زیرمضمون دیگری بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند و می‌تواند شامل زنجیره‌ای از استرس، اضطراب و افسردگی باشد. «دانش‌آموزها وقتی که ترس از شکست درشون به وجود بیاد همش نگران این هستن که باز هم شکست می‌خورم یا برعکس وقتی دانش‌آموزی همیشه برنده است؛ همیشه استرس این رو داره که آیا این دفعه هم برنده می‌شم اگه نشم چی؟ همچنین اگر افراد چندین بار شکست بخورند و نتونن به موفقیت برسند در نهایت سرخورده می‌شن و این سرخوردگی مدام به افسردگی تبدیل می‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲). افراد در رقابت منفی، علاوه بر بیماری‌های روحی، دچار بیماری‌های جسمی هم خواهند شد. «داشتیم دانش‌آموزی که تمام موهای سرش می‌ریخت به خاطر استرسی که برای قبولی در این آزمون‌های رقابتی تحمل می‌کرد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

● کمال‌گرایی مفرط و لذت‌نبردن از حال

یکی از موارد مطرح‌شده در بین مصاحبه‌شوندگان کمال‌گرایی مفرط بوده است. «بچه‌هایی که دچار رقابت منفی هستن به دنبال یک کمال‌گرایی می‌زنند که شاید هیچ‌وقت بهش رسند و به یه موفقیت کوچولو برسند اما چون به اون کمال نرسیدن از موفقیتشون لذت نمی‌برند و همش دنبال یه چیز بزرگ‌تر هستن... یعنی از امروزش لذت نمی‌بره برای اینکه می‌گه من فردا بهتر می‌شم» (مصاحبه‌شونده شماره ۷).

● غرور و اعتماد به نفس کاذب

به عقیده یکی از مصاحبه‌شوندگان، افرادی که همیشه در رقابت منفی برنده هستند، دچار خودبزرگ‌بینی و توهمی می‌شوند که در آینده، به آن‌ها آسیب خواهد زد. «در رقابت منفی اگر دانش آموزها جزو گروهی باشن که پیروز شدند دچار غرور کاذبی می‌شن که این غرور کاذب می‌تونه بعداً باعث شکستشون بشه چون خیلی به خودشون اعتماد الکی کردند و فکر می‌کردند که همیشه با هر میزان تلاشی موفق می‌شن و فکر می‌کردن که دلیل موفقیت خودشون نه تلاششون» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

● مادی‌نگری و بزهکاری در بزرگ‌سالی

از دید یکی از مصاحبه‌شوندگان، بزهکاری و مادی‌نگری در بزرگ‌سالی از پیامدهای طولانی مدت رقابت منفی است. «که رقابت منفی رو در بچه‌ها به وجود بیاریم، درواقع داریم افرادی سودجو رو تربیت می‌کنیم و وارد جامعه می‌کنیم که فقط به دنبال برتر شدن هستند. اون‌ها می‌خوان که به همه اثبات کنن که من هنوز هم برتر هستم یا اینکه من با اینکه در رقابت‌های بچگی همه‌ش شکست می‌خوردم، الان این‌گونه نیستم و بالاخره موفق شدم» (مصاحبه‌شونده شماره ۹). «رقابت منفی باعث می‌شه که فرد در آینده بزهکار بشه و به مواردی مثل مواد مخدر، دزدی و دوستی‌های ناسالم روی بیاره... خب خیلی از افرادی که معتاد شدند و کارتن‌خواب شدند... از اول این‌طوری نبودند. اون‌ها فقط قربانی شکست‌های پی‌درپی هستن و این شکست‌ها تا جایی ادامه پیدا کرده که فرد به این نتیجه رسیده که حق زندگی طبیعی مثل مردم عادی رو نداره» (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

● کاهش کیفیت عملکرد

به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، با ایجاد رقابت منفی در محیط کلاس درس، محیطی پرتنش به وجود می‌آوریم. این محیط میزان تمرکز و خلاقیت بچه‌ها را کاهش می‌دهد و به کاهش کیفیت و عملکرد فراگیران منجر می‌شود. «در رقابت منفی چون محیطی که برای بچه‌ها ساخته می‌شه محیط پر از تنش و استرسه بچه‌ها نمی‌تونن به خوبی تمرکز کنن و مسلماً فکر اینکه دارن عقب می‌افتن باعث استرسشون می‌شه و این استرسه باعث می‌شه که خلاقیتشون کاهش پیدا کنه و کافیه که معلم بیاد بگه زمان می‌گیریم هر کی زودتر انجام بده و اینجاست که قشنگ می‌بینیم که تا چه اندازه عملکردشون کاهش پیدا می‌کنه و اون کار با کیفیت کافی هم انجام نمی‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

● درماندگی آموخته‌شده

به باور چند نفر از مصاحبه‌شوندگان، درماندگی آموخته‌شده یکی از پیامدهای جدی در رقابت منفی است. «وقتی رقابت منفی وجود داره ما شاید در ظاهر ببینیم خیلی هیجان‌زده‌اند و پرشور به یادگیری دارنند می‌پردازند و به هدف می‌رسند اما به خاطر رقابت ناسالمی که وجود داره به محض اینکه یکی از افراد به اون هدف برسه ... درماندگی آموخته‌شده در تک‌تک دانش‌آموزهایی به وجود

می‌آد که در اون لحظه به اون هدف نرسیدن. شاید اون‌ها بعداً بتونن به اون هدف برسن ولی چون اون حس منفی شکست در اون‌ها به وجود اومده باعث می‌شه که تلاششون رو رها کنند و دیگه برای رسیدن به اون هدف و اهداف شبیه به اون تلاش نکنند» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

مضمون اصلی ۲: پیامدهای اجتماعی

مردم اغلب خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و این امر می‌تواند به احساس حسادت منجر شود. رقابت منفی مقایسه با دیگران را تشویق می‌کند؛ بنابراین می‌تواند احساس شک به خود، نگرانی در مورد «متقلب» بودن و درنهایت احساس تشدید احساسات دسیسه‌چینی را تقویت کند (هاچینز^{۴۶}، ۲۰۱۵؛ لیری^{۴۷} و همکاران، ۲۰۰۰؛ پارکمن^{۴۸}، ۲۰۱۶).

● یادگیری عمیق از طریق هم‌سالان

از پیامدهای کار گروهی و رقابت مثبت، می‌توان به یادگیری عمیق اشاره کرد. این یادگیری می‌تواند از طریق هم‌سالان صورت بگیرد. یادگیری از طریق رقابت گروهی اصطلاحی قدیمی است که عنوان می‌کند: برای اینکه یادگیری در فرد اتفاق بیفتد، باید یک شریک یادگیری برای خود برگزینید (سامری و همکاران، ۱۴۰۱). «یکی از مواردی که در کار گروهی و رقابت مثبت مشاهده می‌شه، یادگیری هم‌سالان از همدیگر هست. در رقابت مثبت، فرد قوی که خودش قوی هست ولی تلاش می‌کنه دوستش رو بالا بیاره تا گروهش موفق بشه و در اینجا به یاددهی دوستش می‌پردازه که بعضاً این یادگیری عمیق‌تر از یادگیری که توسط معلم به وجود می‌آد» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

● تخریب رابطه عاطفی در هم‌سالان

مواردی که به تخریب رابطه عاطفی می‌انجامد عبارت است از: حسادت، قهر، نفرت عمیق، بدبینی به نیت هم‌سالان، افزایش خشونت و نزاع، افزایش تقلب و دسیسه‌چینی. «فردی که دچار رقابت منفی هستند چشم دیدن موفقیت کسی و ندارند و هم خودشون دست دوستی به سمت کسی دراز نمی‌کنند و متقابلاً هم اگر کسی دست دوستی به سمت اونا دراز کنه نمی‌تونن اون دست رو بگیرن» (مصاحبه‌شونده شماره ۸). «رقابت منفی به‌طور کلی حسادت رو خیلی افزایش می‌ده... به صورتی که بعضی از افراد دوست دارند که فرد مقابلشون یا رقیبشون آسیب ببینه یا حتی بعضی دوست دارند که رقیبشون بمیره که ازشون پیشی بگیره» (مصاحبه‌شونده شماره ۱). «در رقابت منفی، فرد می‌آد از آسیب زدن به دیگران استفاده می‌کنه و مثلاً به بدگویی از هم‌کلاسی‌هاش می‌پردازه» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

● ایجاد شکاف بین والدین و فرزندان

یکی از پیامدهای ایجاد رقابت منفی افزایش پنهان‌کاری میان والدین و فرزندان است. «وقتی

والدین انتظار بیش از اندازه از بچه‌ها داشته باشند و به ظرفیت و علایق بچه‌ها توجه نکنند؛ بچه‌ها هم کم‌کم شروع می‌کنند به پنهان‌کاری. بچه برای اینکه شکستش رو در رقابت منفی اعلام نکنه شروع به دروغ گفتن به والد می‌کنه و این در سطح بالاتر و در دوران بلوغ می‌تونه به پنهان‌کاری‌های فاجعه‌آمیز مبدل بشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۵).

● کاهش مشارکت و افزایش فردگرایی

یکی از مواردی که تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند این بود که با افزایش رقابت منفی مشارکت و جمع‌گرایی کاهش می‌یابد. «رقابت منفی باعث کاهش همدلی و رفاقت بین دانش‌آموزان می‌شه» (مصاحبه‌شونده شماره ۲). «در رقابت منفی چون فرد می‌خواد موفق بشه و به جورایی فقط برتر بودن خود فرد مهمه... کار گروهی و مشارکت و کمک به هم‌دیگه دیگه جایی نداره و هر کس به دنبال اینه که برای رسیدن به هدف خودش رو بالا بکشه و بقیه رو پایین بکشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۳). «در رقابت منفی افراد فکر می‌کنند که باید کار خودم را به تنهایی انجام بدم و باید فقط منفعت خودم برام مهم باشه و در صورتی به پیشرفت می‌رسم که فقط من برنده شم» (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور، پدیدارشناسی توصیفی صورت گرفت و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه استفاده شد. درنهایت، گردآوری اطلاعات با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با هفده نفر به اشباع رسید. در پاسخ به سؤال اول پژوهش (تعریف رقابت)، سه مضمون اصلی (رقابت مثبت، آمیخته و منفی) و نه زیرمضمون؛ در پاسخ به سؤال دوم (فرایند یا روش‌ها و دلایل ایجاد رقابت)، دو مضمون اصلی (دلایل و روش‌های ایجاد رقابت مثبت و منفی) و دوازده زیرمضمون و در پاسخ به سؤال سوم، دو مضمون اصلی (پیامدهای مثبت و منفی) و سیزده زیرمضمون به دست آمد.

نتیجه پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، هم‌راستاست. تأیید مثبت بودن مفهوم رقابت گروهی با توجه به پژوهش‌های سامری و همکاران، ۱۴۰۱، رضایی اترآباد و همکاران، ۱۴۰۰، ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳ و دیندار و همکاران، ۲۰۲۱ انجام شده است. در پژوهش‌های فوق، به صورت‌های مختلف بیان شده است که رقابت در بعد فردی بیشتر از گروهی، به شکل منفی درمی‌آید و از آنجاکه در رقابت گروهی، افراد برای رسیدن به هدف به یکدیگر کمک می‌کنند، این باهم‌بودن به رقابت مثبت منجر می‌شود.

رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) نیز جلب توجه معلم را یکی از اهداف فراگیران از رقابت کردن دانسته‌اند. این نیاز به جلب توجه باید کنترل شود تا از حد خود فراتر نرود؛ در غیر این صورت، فرد با این حس نیاز می‌تواند هم به خود و هم به دیگران آسیب بزند.

همچنین در پژوهش‌های کورن و الیوت^{۴۹} (۲۰۱۶)، رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) و کوالسکی و کریستنسن^{۵۰} (۲۰۱۹) رقابت در معنای مقایسه‌کردن استفاده شده است که با توجه به نتایج پژوهش

حاضر، مقایسه کردن افراد اگر با الگوگیری مناسب همراه باشد، می‌تواند پیامد مثبت به همراه داشته باشد؛ اما اگر در بعد توانایی و استعداد باشد، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون درماندگی آموخته‌شده به همراه خواهد داشت.

تأثیر کنکور در رقابت منفی (رضایی اترآباد و همکاران، ۱۴۰۰) از جمله مواردی است که در پژوهش حاضر نیز در مضمون فرایند ایجاد رقابت در سیستم آموزشی نام برده شده است. این عامل یکی از عوامل ایجادکننده رقابت منفی است که بر روح و روان دانش‌آموزان عوارض و تأثیرات طولانی‌مدتی بر جای می‌گذارد. افزایش خصومت و دشمنی میان افراد در رقابت منفی (کورن و الیوت، ۲۰۱۹)، افزایش انگیزش در رقابت مثبت (صادقی، ۱۳۹۰؛ حبیبی و همکاران، ۱۴۰۰) و استرس و اضطراب در رقابت منفی (صادقی، ۱۳۹۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳) از جمله مواردی هستند که در تأیید پژوهش حاضر می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد:

۱. رقابت در ذات خود، نه معنای مثبت دارد، نه معنای منفی. به معنای دیگر، رقابت یک مسابقه، مسیری هدفمند، نیازی درونی یا قله‌ای فرضی است که افکار و نگرش‌های ما آن را از حالت آمیخته به حالت مثبت یا منفی تبدیل می‌کند. اگر ما دیگران را نردبانی برای رسیدن به موفقیت خود بدانیم، اگر هدفمان برای رقابت صرفاً چشم‌وهم‌چشمی با دیگران باشد و به دنبال برتر شدن فردگرایانه و زمین‌زدن دیگران باشیم، به معنای مثبت رقابت دست نمی‌یابیم. یک رقابت مثبت رقابت توأمان با رفاقت است. در رقابت مثبت، افراد برتری را برای رسیدن به یک هدف والا دوست دارند. افراد خودشان را با گذشته خویش مقایسه می‌کنند و خود را رقیب زندگی خویش میدانند؛

۲. کودک در مسیر زندگی خود، تحت تأثیر افکار اطرافیان (والدین، معلمان، هم‌سالان، خویشاوندان، رسانه‌ها) قرار می‌گیرد و بدین صورت به تفسیر معنای رقابت در ذهن خود می‌پردازد. فرایند شکل‌گیری رقابت در مدرسه و کلاس درس خلاصه نمی‌شود. این فرایند از بدو تولد آغاز می‌شود و در خانه، مدرسه و سیستم آموزشی رشد و تکامل می‌یابد. نوع نگاه کودک و اطرافیان به رقابت، چگونگی رفتار وی را بازنمایی می‌کند. به عبارت دیگر، اگر تعریف درستی از رقابت (تعاریفی که در بخش یافته‌ها ذکر شد) در ذهن فراگیر ایجاد شود، کودک از طریق آن، به پیامدهایی مثبت می‌رسد و برعکس؛

۳. کودکان تنها از گفتار اطرافیان خود تأثیر می‌پذیرند، بلکه از رفتار آنان نیز الگوبرداری می‌کنند؛ از این رو باید به دقت به بررسی دلایل و روش‌های ایجاد رقابت مثبت و منفی و به‌طور کلی فرایند ایجاد رقابت بپردازیم. همچنین روش‌های ایجاد رقابت مثبت را در زندگی روزمره خود به کار بگیریم یا از انجام روش‌های ایجاد رقابت منفی بپرهیزیم. در وهله اول، باید آگاهی نهاد خانواده را در این زمینه افزایش داد و با برگزاری کلاس‌های توجیهی، کارگاه‌های آموزش خانواده و... نقش آنان را در ایجاد رقابت منفی تبیین کرد. چه بسا برانداختن خانواده‌هایی که با نداشتن دانش کافی روان‌شناسی

درباره بهداشت روان کودکان، آنان را به ورطه رقابت منفی می‌کشانند. والدین باید فرزندانشان را با خود مقایسه کنند، نه سایر افراد. از نمره‌محوری افراطی بپرهیزند و کودکانشان را به خاطر تلاششان تشویق کنند، نه دستاوردهایشان. در این صورت، کودکان با اعتمادبه‌نفس بالا پا به کلاس درس خواهند گذاشت و از کمال‌طلبی افراطی پرهیز خواهند کرد.

در گام بعدی، سیستم آموزشی، به‌ویژه معلمان، باید رقابت مثبت را سرلوحه کار خود قرار دهند و راهکارهای پیشگیری از رقابت منفی را به کار گیرند. سیستم آموزشی باید تلاش کند آزمون‌های رقابتی امتیازمحور را به حداقل برساند و ارزشیابی توصیفی اصولی را جایگزین ارزشیابی کمی کند. معلمان در این سیستم آموزشی، نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ بنابراین باید در گام اول، دید مثبتی به رقابت در ذهن خود ایجاد کنند و بکوشند امروز خود را با دیروزشان مقایسه کنند، نه با عملکرد شغلی همکارانشان. در این صورت، می‌توانند الگوی مناسبی برای فراگیران باشند. معلمان باید بکوشند نگاه یکسانی به دانش‌آموزان خود داشته باشند، فراگیران را برای پیشرفت فردی (پیشرفت فرد به نسبت خودش) تشویق کنند و حس ارزشمندبودن را به آنان انتقال دهند.

علاوه بر تلاش والدین و سیستم آموزشی، فناوری نیز باید در این زمینه کمک کند. اگر رسانه‌های کشور به‌خوبی مدیریت شوند، می‌توان روحیه رقابت گروهی را در بین افراد جامعه ترویج کرد. برای نمونه اگر مدیران رسانه‌ها از پیامدهای ناگوار منفی (برای نمونه غرور و اعتمادبه‌نفس کاذب، مادی‌گرایی و بزهکاری در بزرگسالی، کاهش کیفیت عملکرد تحصیلی و درماندگی آموخته‌شده) آگاه باشند، در رسانه‌های ملی از جمله تلویزیون و رادیو به تبلیغ کتاب‌ها و کلاس‌های کنکور نمی‌پردازند و در فیلم‌ها و سریال‌ها، افراد با پشتکار و تلاشگر را موفق و الگوی دانش‌آموزان قرار خواهند داد؛ بنابراین نباید قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها را دست‌کم گرفت و باید در این زمینه، آگاهی‌سازی کرد.

ما در جایگاه اعضای جامعه، می‌توانیم با کمک تعریف درست از رقابت، شناسایی عوامل ایجادکننده (فرایند) و پیامدهای رقابت، در عرصه رقابت کودکان به نتایج رضایت‌بخشی دست یابیم. ما وظیفه داریم با همدلی و هم‌بستگی با یکدیگر، کودکانی با روان و روحیه سالم تربیت کنیم تا در آینده، این کودکان بتوانند ایرانی همدل، با روحیه مشارکت و همکاری زیاد بسازند. این افراد شانه‌به‌شانه یکدیگر برای جامعه‌ای موفق تلاش می‌کنند و از یکدیگر به‌عنوان نردبانی برای بالا تر کشیدن خود استفاده خواهند کرد. در این جامعه، حس اعتمادبه‌نفس و رضایت از خود بیشتر می‌شود و غرور کاذب، مادی‌نگری، بزهکاری، تخریب یکدیگر، شکاف عمیق میان والد و فرزند، درماندگی آموخته‌شده، شرطی‌شدن و فردگرایی، کم‌رنگ یا حتی محو خواهد شد.

در نهایت، با توجه به اینکه موضوع رقابت تحصیلی اهمیت بسزایی دارد و پیامدهای متعددی بر بدنه آموزش و پرورش بر جای می‌گذارد، توصیه می‌شود در این زمینه پژوهش بیشتری انجام شود. پژوهشگران می‌توانند موضوع مفهوم، فرایند و پیامدهای رقابت تحصیلی دانش‌آموزان را از منظر سایر ذی‌نفعان

آموزشی، از قبیل دانش‌آموزان یا والدین، بررسی کنند. همچنین می‌توانند دربارهٔ انواع رقابت (تحصیلی، ورزشی، سرگرمی) و تأثیر آن در کودکان تحقیق کنند. افزون بر آن، زیرمضامین به‌دست‌آمده از پژوهش فوق نیز موضوع جالبی برای پژوهش‌های پیش‌روست. برای نمونه پژوهشگران می‌توانند به تبیین هم‌بستگی جو روانی منفی خانواده و ایجاد رقابت منفی بپردازند. همچنین جنسیت مسئله دیگری است که در حوزه رقابت تحصیلی مطرح می‌شود. برخی از آموزگاران در مصاحبه‌ها، بر این مهم اذعان داشتند که جنسیت نیز بر شدت رقابت منفی در میان کودکان تأثیرگذار است. درنهایت به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود راهکارهای کاهش رقابت منفی را در کلاس درس به کار گیرند و تأثیر آن را گزارش کنند.



■ بحث و نتیجه‌گیری ■

پژوهش حاضر به پدیدارشناسی رقابت از منظر آموزگاران دوره ابتدایی در استان مازندران می‌پردازد. در ابتدا سه سؤال اصلی ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرد. این سه سؤال درباره مفهوم رقابت، فرایند (روش‌ها و دلایل) رقابت و پیامدهای رقابت بوده است. برای پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور، پدیدارشناسی توصیفی صورت گرفت و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه استفاده شد. در نهایت، گردآوری اطلاعات با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با هفده نفر به اشباع رسید. در پاسخ به سؤال اول پژوهش (تعریف رقابت)، سه مضمون اصلی (رقابت مثبت، آمیخته و منفی) و نه زیرمضمون؛ در پاسخ به سؤال دوم (فرایند یا روش‌ها و دلایل ایجاد رقابت)، دو مضمون اصلی (دلایل و روش‌های ایجاد رقابت مثبت و منفی) و دوازده زیرمضمون و در پاسخ به سؤال سوم، دو مضمون اصلی (پیامدهای مثبت و منفی) و سیزده زیرمضمون به دست آمد.

نتیجه پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، هم‌راستاست. تأیید مثبت بودن مفهوم رقابت گروهی با توجه به پژوهش‌های سامری و همکاران، ۱۴۰۱، رضایی اترآباد و همکاران، ۱۴۰۰، ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳ و دیندار و همکاران، ۲۰۲۱ انجام شده است. در پژوهش‌های فوق، به صورت‌های مختلف بیان شده است که رقابت در بعد فردی بیشتر از گروهی، به شکل منفی درمی‌آید و از آنجاکه در رقابت گروهی، افراد برای رسیدن به هدف به یکدیگر کمک می‌کنند، این باهم‌بودن به رقابت مثبت منجر می‌شود.

رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) نیز جلب توجه معلم را یکی از اهداف فراگیران از رقابت کردن دانسته‌اند. این نیاز به جلب توجه باید کنترل شود تا از حد خود فراتر نرود؛ در غیر این صورت، فرد با این حس نیاز می‌تواند هم به خود و هم به دیگران آسیب بزند.

همچنین در پژوهش‌های کورن و الیوت (۲۰۱۶)، رضایی اترآباد و همکاران (۱۴۰۰) و کوالسکی و کریستنسن (۲۰۱۹) رقابت در معنای مقایسه کردن استفاده شده است که با توجه به نتایج پژوهش حاضر، مقایسه کردن افراد اگر با الگوگیری مناسب همراه باشد، می‌تواند پیامد مثبت به همراه داشته باشد؛ اما اگر در بعد توانایی و استعداد باشد، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون درماندگی آموخته‌شده به همراه خواهد داشت.

تأثیر کنکور در رقابت منفی (رضایی اترآباد و همکاران، ۱۴۰۰) از جمله مواردی است که در پژوهش حاضر نیز در مضمون فرایند ایجاد رقابت در سیستم آموزشی نام برده شده است. این عامل یکی از عوامل ایجادکننده رقابت منفی است که بر روح و روان دانش‌آموزان عوارض و تأثیرات طولانی‌مدتی برجای می‌گذارد. افزایش خصومت و دشمنی میان افراد در رقابت منفی (کورن و الیوت، ۲۰۱۹)، افزایش انگیزش در رقابت مثبت (صادقی، ۱۳۹۰؛ حبیبی و همکاران، ۱۴۰۰) و استرس و اضطراب در رقابت منفی (صادقی، ۱۳۹۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳) از جمله مواردی هستند که در تأیید پژوهش حاضر می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد:

۱. رقابت در ذات خود، نه معنای مثبت دارد، نه معنای منفی. به معنای دیگر، رقابت یک مسابقه، مسیری هدفمند، نیازی درونی یا قله‌ای فرضی است که افکار و نگرش‌های ما آن را از حالت آمیخته به حالت مثبت یا منفی تبدیل می‌کند. اگر ما دیگران را نردبانی برای رسیدن به موفقیت خود بدانیم، اگر هدفمان برای رقابت صرفاً چشم‌وهم‌چشمی با دیگران باشد و به دنبال برتر شدن فردگرایانه و زمین‌زدن دیگران باشیم، به معنای مثبت رقابت دست نمی‌یابیم. یک رقابت مثبت رقابت توأمان با رفاقت است. در رقابت مثبت، افراد برتری را برای رسیدن به یک هدف والا دوست دارند. افراد خودشان را با گذشته خویشتن مقایسه می‌کنند و خود را رقیب زندگی خویشتن می‌دانند؛
۲. کودک در مسیر زندگی خود، تحت تأثیر افکار اطرافیان (والدین، معلمان، هم‌سالان، خویشاوندان، رسانه‌ها) قرار می‌گیرد و بدین‌صورت به تفسیر معنای رقابت در ذهن خود می‌پردازد. فرایند شکل‌گیری رقابت در مدرسه و کلاس درس خلاصه نمی‌شود. این فرایند از بدو تولد آغاز می‌شود و در خانه، مدرسه و سیستم آموزشی رشد و تکامل می‌یابد. نوع نگاه کودک و اطرافیان به رقابت، چگونگی رفتار وی را بازنمایی می‌کند. به عبارت دیگر، اگر تعریف درستی از رقابت (تعاریفی که در بخش یافته‌ها ذکر شد) در ذهن فراگیر ایجاد شود، کودک از طریق آن، به پیامدهایی مثبت می‌رسد و برعکس؛
۳. کودکان نه تنها از گفتار اطرافیان خود تأثیر می‌پذیرند، بلکه از رفتار آنان نیز الگوبرداری می‌کنند؛ از این‌رو باید به دقت به بررسی دلایل و روش‌های ایجاد رقابت مثبت و منفی و به‌طور کلی فرایند ایجاد رقابت بپردازیم. همچنین روش‌های ایجاد رقابت مثبت را در زندگی روزمره خود به کار بگیریم یا

از انجام روش‌های ایجاد رقابت منفی بپرهیزیم. در وهله اول، باید آگاهی نهاد خانواده را در این زمینه افزایش داد و با برگزاری کلاس‌های توجیهی، کارگاه‌های آموزش خانواده و... نقش آنان را در ایجاد رقابت منفی تبیین کرد. چه بسیارند خانواده‌هایی که با نداشتن دانش کافی روان‌شناسی درباره بهداشت روان کودکان، آنان را به ورطه رقابت منفی می‌کشانند. والدین باید فرزندانشان را با خود مقایسه کنند، نه سایر افراد. از نمره‌محوری افراطی بپرهیزند و کودکانشان را به خاطر تلاششان تشویق کنند، نه دستاوردهایشان. در این صورت، کودکان با اعتمادبه‌نفس بالا پا به کلاس درس خواهند گذاشت و از کمال‌طلبی افراطی پرهیز خواهند کرد.

در گام بعدی، سیستم آموزشی، به‌ویژه معلمان، باید رقابت مثبت را سرلوحه کار خود قرار دهند و راهکارهای پیشگیری از رقابت منفی را به کار گیرند. سیستم آموزشی باید تلاش کند آزمون‌های رقابتی امتیازمحور را به حداقل برساند و ارزشیابی توصیفی اصولی را جایگزین ارزشیابی کمی کند. معلمان در این سیستم آموزشی، نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ بنابراین باید در گام اول، دید مثبتی به رقابت در ذهن خود ایجاد کنند و بکوشند امروز خود را با دیروزشان مقایسه کنند، نه با عملکرد شغلی همکارانشان. در این صورت، می‌توانند الگوی مناسبی برای فراگیران باشند. معلمان باید بکوشند نگاه یکسانی به دانش‌آموزان خود داشته باشند، فراگیران را برای پیشرفت فردی (پیشرفت فرد به‌نسبت خودش) تشویق کنند و حس ارزشمندبودن را به آنان انتقال دهند.

علاوه بر تلاش والدین و سیستم آموزشی، فناوری نیز باید در این زمینه کمک کند. اگر رسانه‌های کشور به‌خوبی مدیریت شوند، می‌توان روحیه رقابت گروهی را در بین افراد جامعه ترویج کرد. برای نمونه اگر مدیران رسانه‌ها از پیامدهای ناگوار منفی (برای نمونه غرور و اعتمادبه‌نفس کاذب، مادی‌گرایی و بزهکاری در بزرگسالی، کاهش کیفیت عملکرد تحصیلی و درماندگی آموخته‌شده) آگاه باشند، در رسانه‌های ملی از جمله تلویزیون و رادیو به تبلیغ کتاب‌ها و کلاس‌های کنکور نمی‌پردازند و در فیلم‌ها و سریال‌ها، افراد باپشتکار و تلاشگر را موفق و الگوی دانش‌آموزان قرار خواهند داد؛ بنابراین نباید قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ها را دست‌کم گرفت و باید در این زمینه، آگاهی‌سازی کرد.

ما در جایگاه اعضای جامعه، می‌توانیم با کمک تعریف درست از رقابت، شناسایی عوامل ایجادکننده (فرایند) و پیامدهای رقابت، در عرصه رقابت کودکان به نتایج

رضایت‌بخشی دست یابیم. ما وظیفه داریم با همدلی و هم‌بستگی با یکدیگر، کودکانی با روان و روحیه سالم تربیت کنیم تا در آینده، این کودکان بتوانند ایرانی همدل، با روحیه مشارکت و همکاری زیاد بسازند. این افراد شانه‌به‌شانه یکدیگر برای جامعه‌ای موفق تلاش می‌کنند و از یکدیگر به‌عنوان نردبانی برای بالاتر کشیدن خود استفاده خواهند کرد. در این جامعه، حس اعتماد به نفس و رضایت از خود بیشتر می‌شود و غرور کاذب، مادی‌نگری، بزهکاری، تخریب یکدیگر، شکاف عمیق میان والد و فرزند، درماندگی آموخته‌شده، شرطی‌شدن و فردگرایی، کم‌رنگ یا حتی محو خواهد شد. درنهایت، با توجه به اینکه موضوع رقابت تحصیلی اهمیت بسزایی دارد و پیامدهای متعددی بر بدنه آموزش و پرورش برجای می‌گذارد، توصیه می‌شود در این زمینه پژوهش بیشتری انجام شود. پژوهشگران می‌توانند موضوع مفهوم، فرایند و پیامدهای رقابت تحصیلی دانش‌آموزان را از منظر سایر ذی‌نفعان آموزشی، از قبیل دانش‌آموزان یا والدین، بررسی کنند. همچنین می‌توانند درباره انواع رقابت (تحصیلی، ورزشی، سرگرمی) و تأثیر آن در کودکان تحقیق کنند. افزون بر آن، زیرمضامین به‌دست‌آمده از پژوهش فوق نیز موضوع جالبی برای پژوهش‌های پیش‌روست. برای نمونه پژوهشگران می‌توانند به تبیین هم‌بستگی جو روانی منفی خانواده و ایجاد رقابت منفی بپردازند. همچنین جنسیت مسئله دیگری است که در حوزه رقابت تحصیلی مطرح می‌شود. برخی از آموزگاران در مصاحبه‌ها، بر این مهم اذعان داشتند که جنسیت نیز بر شدت رقابت منفی در میان کودکان تأثیرگذار است. درنهایت به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود راهکارهای کاهش رقابت منفی را در کلاس درس به کار گیرند و تأثیر آن را گزارش کنند.

پرتال جامع علوم انسانی

منابع REFERENCES

- ادیب، یوسف، فتحی آذر، اسکندر، و قره‌آغاجی، سعید. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه‌ی مادران دانش‌آموزان پایه‌ی ششم ابتدایی داوطلب شرکت در آزمون مدارس استعدادهای درخشان. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۲۵ (۱۴)، ۵۱-۶۱. <https://doi.org/10.22070/tlr.2020.2503>
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری. نشر دیدار.
- حبیبی، حمدالله، پاشایی فخری، آی سان، قسیمی ليقوان، آیدا و فلاحتی، سکینه. (۱۴۰۰). مقایسه استرس و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد استعدادهای درخشان و عادی. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۶ (۲)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.22108/nea.2022.127731.1613>
- حسن‌زاده پلکویی، شهربانو، و صالحی، کیوان. (۱۳۹۶). تحلیل پدیدارشناسانه چالش‌های ناشی از افت استرس مولد تحصیلی در نظام ارزشیابی توصیفی کیفی. *فصل‌نامه مطالعات انداز‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۷ (۲۰)، ۱۵۵-۱۹۰. https://jresearch.sanjesh.org/article_30031.html
- دادمهر، مجید، کرمی، مرتضی، مهرام، بهروز، و ایزدی، صمد. (۱۴۰۱). طراحی و اعتبارسنجی الگوی ارتباطی معلمان و نظام برنامه‌ریزی درسی در ایران. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۹ (۷۵)، ۴۰-۶۱. https://journals.iau.ir/article_701213.html
- رضایی اترآباد، محمود، مهرام، بهروز، و حیدریان شهری، احمدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل کیفی زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری رقابت منفی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر قوچان. *نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۸ (۱)، ۲۲۱-۲۵۲. <https://doi.org/10.22067/social.2022.72324.1073>
- رمضانلو، مهرداد، ابوالمعالی الحسینی، خدیجه، باقری، فریبرز، و رباط‌میلی، سمیه. (۱۳۹۹). تجربه زیسته مادران کودکان دارای اختلال طیف اتیسم: یک مطالعه پدیدارشناسی. *روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۱۰ (۳۹)، ۱۳۳-۱۷۴. <https://doi.org/10.22054/jpe.2021.56808.2252>
- سامری، مریم، عسگری، موسی، و حسینی، زهرا. (۱۴۰۱). تأثیر رقابت گروهی بر مهارت‌های فراپنداری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی در درس علوم تجربی. *پژوهش در آموزش ابتدایی*، ۴ (۸)، ۱۱-۲۳. https://reek.cfu.ac.ir/article_2686.html
- شیخ‌الاسلامی، علی. (۱۳۹۴). *رابطه جو روانی-اجتماعی کلاس با درگیری تحصیلی دانشجویان مقاله ارائه شده در کنفرانس*. اولین همایش علمی پژوهشی روان‌شناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه، کرمان، ایران. <https://civilica.com/doc/439337/>
- صادقی، جهانبخش. (۱۳۹۰). عوامل رقابت‌جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. *مدیریت نظامی*، ۱۱ (۴۳)، ۴۳-۶۶. https://jmm.iranjournals.ir/article_3830.html
- غلامی، عزالدین، و لطیفی، زهره. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی رقابت فردی و گروهی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی. *پژوهش‌های علوم انسانی*، ۲۹ (۵)، ۶۵-۸۲. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1025220>
- فتاحی، محمد، دهقانی، مرضیه، و صالحی، کیوان. (۱۴۰۱). تحلیل ادراک دانشجویان از مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن در رشته علوم تربیتی. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۸ (۱)، ۷۰-۵۳. <https://doi.org/10.22070/tlr.2022.15348.1180>
- قناعت‌پیشه، عترة الزهرا. (۱۳۸۴). مقایسه اثر رقابت فردی، تلاش فردی و رقابت گروهی در پیشرفت تحصیلی. *تعلیم و تربیت*، ۲۱ (مسلسل)، ۱۳۱-۱۶۸. <https://sid.ir/paper/431170/fa>
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۹۶). *یادگیری مشارکتی* (جلد ۱). انتشارات زندگی شاد.

Akpınar, M., Del Campo, C., & Eryarsoy, E. (2015). Learning effects of an international group competition project. *Innovations in Education and Teaching International*, 52(2), 160-171. <https://doi.org/10.1080/14703297.2014.880656>

Jurišević, M. (2020). Kako psihološka znanstvena spoznanja prenesti v pedagoško prakso? Načela "Top 20" o poučevanju in učenju za višjo kakovost vzgoje in izobraževanja. *Psihološka obzorja*, 29(1), 117-120. <https://journals.uni-lj.si/psiholoska-obzorja/article/view/21222>

- Ryan, R. M., & Reeve, J. (2021). Intrinsic motivation, psychological needs, and competition: A self-determination theory analysis. In D. S. Elliot (Ed.), *The Oxford handbook of the psychology of competition* (pp. 240–264). Oxford University Press.
- Acquah, E. O., & Katz, H. T. (2020). Digital game-based L2 learning outcomes for primary through high-school students: A systematic literature review. *Computers & Education*, 143, Article 103667. <https://doi.org/10.1016/j.compedu.2019.103667>
- Leite, E., Pahlberg, C., & Åberg, S. (2018). The cooperation-competition interplay in the ICT industry. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 33(4), 495-505. <https://doi.org/10.1108/JBIM-02-2017-0038>
- Alan, S., & Ertac, S. (2019). Mitigating the gender gap in the willingness to compete: Evidence from a randomized field experiment. *Journal of the European Economic Association*, 17(4), 1147-1185. <https://doi.org/10.1093/jeaa/jvy036>
- Barrot, J. S. (2023). K to 12 curriculum reform in the Philippines: Towards making students future ready. *Asia Pacific Journal of Education*, 43(4), 1193-1207. <https://doi.org/10.1080/02188791.2021.1973959>
- Bau, N. (2022). Estimating an equilibrium model of horizontal competition in education. *Journal of Political Economy*, 130(7), 1717-1764. <https://www.journals.uchicago.edu/doi/abs/10.1086/719760>
- Beni, S., Fletcher, T., & Ní Chróinín, D. (2017). Meaningful experiences in physical education and youth sport: A review of the literature. *Quest*, 69(3), 291-312. <https://doi.org/10.1080/00336297.2016.1224192>
- Bergin, D. A. (2016). Social influences on interest. *Educational Psychologist*, 51(1), 7-22. <https://doi.org/10.1080/00461520.2015.1133306>
- Canning, E. A., LaCrosse, J., Kroeper, K. M., & Murphy, M. C. (2020). Feeling like an imposter: The effect of perceived classroom competition on the daily psychological experiences of first-generation college students. *Social Psychological and Personality Science*, 11(5), 647-657. <https://doi.org/10.1177/1948550619882032>
- Cordes, S. A. (2018). In pursuit of the common good: The spillover effects of charter schools on public school students in New York City. *Education Finance and Policy*, 13(4), 484-512. https://doi.org/10.1162/edfp_a_00240
- Egalite, A. J. (2016). *The competitive effects of the Louisiana Scholarship Program on public school performance*. SSRN Electronic Journal. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2739783>
- Fettig, A., Artman-Meeker, K., Jeon, L., & Chang, H. C. (2022). Promoting a person-centered approach to strengthening early childhood practices that support social-emotional development. *Early Education and Development*, 33(1), 75-91. <https://doi.org/10.1080/10409289.2020.1857215>
- Gilissen, M. G., Knippels, M. C. P., & van Joolingen, W. R. (2020). Bringing systems thinking into the classroom. *International Journal of Science Education*, 42(8), 1253-1280. <https://doi.org/10.1080/09500693.2020.1755741>
- Hattie, J. (2008). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. Routledge.
- Hoyer, B., van Huizen, T., Keijzer, L., Rezaei, S., Rosenkranz, S., & Westbrook, B. (2020). Gender, competitiveness, and task difficulty: Evidence from the field. *Labour Economics*, 64. <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2020.101815>
- Hutchins, H. M. (2015). Outing the imposter: A study exploring imposter phenomenon among higher education faculty. *New Horizons in Adult Education and Human Resource Development*, 27(2), 3-12. <https://doi.org/10.1002/nha3.20098>
- Imberman, S. A. (2011). The effect of charter schools on achievement and behavior of public-school students. *Journal of Public Economics*, 95(7-8), 850-863. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeo.2011.02.00>
- Kalaian, S. A., & Kasim, R. M. (2014). A meta-analytic review of studies of the effectiveness of small-group learning methods on statistics achievement. *Journal of Statistics Education*, 22(1), 1-20. <https://doi.org/10.1080/10691898.2014.11889691>
- Kohn, A. (1992). *No contest: The case against competition*. Houghton Mifflin.

- Korn, R. M., & Elliot, A. J. (2016). The 2×2 standpoints model of achievement goals. *Frontiers in Psychology*, 7, Article 742. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00742>
- Zhang, Y. J., Wang, J., Huang, J., & Chan, R. C. (2020). High incentive salience promotes motivation and pleasure experience. *PsyCh Journal*, 9(1), 150-152. <https://doi.org/10.1002/pchj.308>
- Kowalski, M., & Christensen, A. L. (2019). "No one wants to be a loser": High school students' perceptions of academic competition. *Mid-Western Educational Researcher*, 31(4), 389-406. <https://scholarworks.bgsu.edu/mwer/vol31/iss4/2>
- Leary, M. R., Patton, K. M., Orlando, A. E., & Wagoner Funk, W. (2000). The impostor phenomenon: Self-perceptions, reflected appraisals, and interpersonal strategies. *Journal of Personality*, 68(4), 725-756. <https://doi.org/10.1111/1467-6494.00114>
- Linnenbrink, E. A. (2005). The dilemma of performance-approach goals: The use of multiple goal contexts to promote students' motivation and learning. *Journal of Educational Psychology*, 97(2), 197-213. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.97.2.197>
- Lüthi, S., & Wolter, S. C. (2023). Is being competitive always an advantage? Competitiveness, gender, and labour market success. *Labour Economics*, 85, Article 102457. <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2023.102457>
- MacLeod, W. B., & Urquiola, M. (2015). Reputation and school competition. *American Economic Review*, 105(11), 3471-3488. <https://www.aeaweb.org/articles?id=10.1257/aer.20130332>
- Ni, Y. (2009). The impact of charter schools on the efficiency of traditional public schools: Evidence from Michigan. *Economics of Education Review*, 28(5), 571-584. <https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2009.01.003>
- Boris, O. O. (2020). Effects of Problem-Solving Teaching Strategy on Secondary School Students' Academic Performance in Chemistry in Ondo State, Nigeria. *IJJAR-International Journal of Research and Analytical Reviews*, 7(2), 74-80. <https://www.semanticscholar.org/paper/Effects-of-Problem-Solving-Teaching-Strategy-on-in-ab2cf7c07e77ee09b8521c0a2e740765e0be174b>
- Ors, E., Palomino, F., & Peyrache, E. (2013). Performance gender gap: Does competition matter? *Journal of Labor Economics*, 31(3), 443-499. <https://www.journals.uchicago.edu/doi/abs/10.1086/669331>
- Parkman, A. (2016). The imposter phenomenon in higher education: Incidence and impact. *Journal of Higher Education Theory & Practice*, 16(1), 51-60. <https://articlearchives.co/index.php/JHETP/article/view/1974>
- Pesout, O., & Nietfeld, J. (2021). The impact of cooperation and competition on metacognitive monitoring in classroom context. *The Journal of Experimental Education*, 89(2), 237-258. <https://doi.org/10.1080/00220973.2020.1751577>
- Piper, S. (2014). *The Place and Limits of Competition in the Physical Education Curriculum*. [Master's thesis, University of Gloucestershire]. Eprints.glos.ac.uk. <https://eprints.glos.ac.uk/2490/>
- Polit, D., & Beck, C. (2020). *Essentials of nursing research: Appraising evidence for nursing practice*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Rocco, T. S., Smith, M. C., Mizzi, R. C., Merriweather, L. R., & Hawley, J. D. (Eds.). (2023). *The handbook of adult and continuing education*. Taylor & Francis.
- Sass, T. R. (2006). Charter schools and student achievement in Florida. *Education Finance and Policy*, 1(1), 91-122. <https://doi.org/10.1162/edfp.2006.1.1.91>
- Shields, D. L., & Bredemeier, B. L. (2010). Competition: Was Kohn right? *Phi Delta Kappan*, 91(5), 62-67. <https://doi.org/10.1177/003172171009100516>
- Shin, J., Lee, Y., & Seo, E. (2017). The effects of feedback on students' achievement goals: Interaction between reference of comparison and regulatory focus. *Learning and Instruction*, 49, 21-31. <https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2016.11.008>
- Simon, R. L. (2018). *Fair play: The ethics of sport*. Routledge.
- Vasylenko, O. (2023). Functional literacy in the system of adult education. *Horizons of Educations*, 22(63), 121-129. <https://doi.org/10.35765/hw.2023.2263.13>

- Wang, X. H., & Yang, B. (2003). Why competition may discourage students from learning? A behavioral economic analysis. *Education Economics*, 11(2), 117-128. <https://doi.org/10.1080/09645290210131656>
- Zhang, K., & Aslan, A. B. (2021). AI technologies for education: Recent research & future directions. *Computers and Education: Artificial Intelligence*, 2, Article 100025. <https://doi.org/10.1016/j.caeai.2021.100025>
- Zhang, S., Wang, L., He, Y., & Liu, J. D. (2023). The divergent effects of resilience qualities and resilience support in predicting pre-competition anxiety and championship performance. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 95(1), 1-9. <https://doi.org/10.1080/02701367.2022.2156446>
- Zimmer, R., & Buddin, R. (2009). Is charter school competition in California improving the performance of traditional public schools? *Public Administration Review*, 69(5), 831-845. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2009.02033x>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|----------------------------|
| 1. Barrot | 18. Akpinar | 35. Simon |
| 2. Gilissen | 19. Shın | 36. Leite |
| 3. Zhang & Aslan | 20. Pesout & Nietfeld | 37. Acquah & Katz |
| 4. Rocco | 21. Hattie | 38. Jurišević |
| 5. Vasylenko | 22. Kohn | 39. Cordes |
| 6. Boris | 23. Linnenbrink | 40. Egalite |
| 7. Kalaian & Kasim | 24. Shields & Bredemeier | 41. Imberman |
| 8. Piper | 25. Fetting | 42. Ni |
| 9. Wang & Yang | 26. Colaizzi | 43. Sass |
| 10. Bergin | 27. MAXQDA | 44. Zimmer & Buddin |
| 11. Canning | 28. trustworthiness | 45. Ryan & Reeve |
| 12. negative competition | 29. Lincoln & Guba | 46. Hutchins |
| 13. Beni | 30. credibility | 47. Leary |
| 14. Alan & Ertac | 31. transferability | 48. Parkman |
| 15. Ors | 32. dependability | 49. Korn & Elliot |
| 16. Lüthi & Wolter | 33. confirmability | 50. Kowalski & Christensen |
| 17. Hoyer | 34. Reflective journal | |